

تحلیل محتوای ارتباطات غیر کلامی شخصیت های آثار برگزیده سیمین دانشور

۱

دکتر غلامرضا آذری*

فاطمه نبیان**

چکیده

ساختار این پژوهش به یکی از اعضای خانواده ارتباطات جمعی یعنی رمان تعلق دارد و موضوع آن تحلیل محتوای ارتباطات غیر کلامی شخصیت های رمان های سیمین دانشور (سووشون - جزیره سرگردانی - ساربان سرگردان) از قبل تا بعد از انقلاب اسلامی است. با تکیه بر روش تحلیل محتوا و کاربرد آن در رمان و با هدف اصلی کشف مقوله های ارتباطات غیر کلامی (حرکات بدنی، رفتارها و...) شخصیت های داستانی براساس چهار هدف فرعی زیر مورد بررسی قرار گرفته اند:

۱ - شناخت ارتباطات غیر کلامی و نوع روایتگری هر رمان

۲ - شناخت ارتباطات غیر کلامی و شخصیت پردازی روایت

۳ - شناخت ارتباطات غیر کلامی در طول زمانی رمان

۴ - شناخت ارتباطات غیر کلامی و سبک زندگی شخصیت ها

در این مطالعه ابتدا از بین آثار برگزیده سیمین دانشور سه رمان انتخاب و از بین تمام فصول رمان به ارتباطات غیر کلامی قسمت های اصلی آن فصول که منطبق با اهداف تحقیق و هم نوع سؤالات و متغیرهای فرضیه ها بودند، پرداخته شده است. همچنین از بین شخصیت ها به شخصیت های اصلی - که در حالت تیپ باقی نمانده و دارای فردیت خاصی هستند که نویسنده به آنها نسبت داده و در مفهوم غایی رمان نقش مهمی ایفا کرده اند - پرداخته شده است.

یافته های پژوهش نشان می دهد هر سه رمان مورد بررسی، دارای حرکات غیر کلامی شخصیت هاست که در مسیر تاریخی رمان های قبل و پس از انقلاب اسلامی (رمان های ضد استعماری)، جذاب ترین و برجسته ترین نوع ارتباطات غیر کلامی را منتقل می سازند. استفاده درست از مقوله های ارتباطات غیر کلامی به شخصیت پردازی و فضا سازی های رمان و همچنین به خواننده در درک اثر یاری می رساند. زمان نگارش رمان، موضوع رمان و به دنبال آن انتخاب سبک نگارش رمان، بر میزان پردازش مقوله های غیر کلامی تأثیر گذار است.

واژه های کلیدی: ارتباطات غیر کلامی، رمان، سبک زندگی، روایت، زمان.

E-mail: Azari

* عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده ی روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

gh2002@yahoo.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

E-mail: Nabiyan2009@yahoo.com

«هر پدیده ادبی مستلزم سه واقعیت است: نویسندگان، کتاب‌ها و خوانندگان، به عبارت عام‌تر، آفرینشگران، آثار و مردم» (اسکارپیت، ۱۳۷۶: ۹). در این مقدمه تقابل این سه عنصر، به عنوان واقعیات اثر ادبی مطمع نظر قرار گرفته است تا لزوم پرداختن به تحلیل یک اثر ادبی و در اینجا رمان به مثابه یک رسانه معین شود.

در بررسی یک اثر می‌توان هر سه جنبه (نویسنده- اثر- خواننده) را مورد نظر قرار داد، ولی صاحب‌نظران در مورد تحلیل هر یک از این جنبه‌ها نظریاتی ارائه داده‌اند بسیاری از آنان، در مورد این که درک متن از طریق بحث درباره زندگی، روانشناسی و نیت مؤلف میسر است، تردید کرده‌اند. به طور مثال «بنیامین در آغاز بخش دوم مقاله‌ای که درباره رمان پیوندهای گزیده‌گفته نوشت، به مسئله نسبت نیت مؤلف با معنای اثر پرداخت. او تأکید کرد که اثر را باید مستقل از آنچه مؤلف اعلام می‌کند مطرح کرد. بنیامین با طرح مفهوم "نیت مؤلف" مخالفت کرد» (احمدی، ۱۳۸۷: ۴۸). اگر نیت مؤلف را در شناخت معنای اثر کنار بگذاریم، باید عنصری تازه را وارد بحث کنیم؛ این عنصر، مخاطب و در ادبیات، خواننده است. معنا در زمره اجزاء ذاتی متن نیست، «معنا چیزی است که هر شخصی با خواندن متن آن را ایجاد می‌کند. آگاهی خواننده یا زمینه قرائت در معنای استنباط شده از متن تأثیر می‌گذارد» (استوری، ۱۳۸۶: ۸۸). در واقع به تعداد خوانندگان، تأویل‌های گسترده از اثر وجود دارد و به دور از نیت مؤلف^۲ می‌توان متن را تفسیر کرد. اما سؤال اساسی در این مطلب نهفته است که بررسی مخاطبان و تأویل‌های ایشان از متن تا چه اندازه به درک اثر مدد می‌رساند.

جان پک در اثرش «شیوه‌های تحلیل رمان» می‌گوید: «خوانندگان مختلف از یک رمان واحد به نظرات و برداشت‌های متفاوتی دست می‌یابند. بنابراین تمرکز روی خواننده، انسان را به قلمرو ذهنی هدایت می‌کند... احتمالاً در نهایت درباره خودتان نظر خواهید داد تا در مورد کتاب». بنابراین در بررسی رمان به جنبه دیگری می‌رسیم که آن «متن» است و به گفته جان پک: «آن دیدگاه‌هایی عملی‌تر هستند که خود متن و جهانی را که عرضه می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهند.

ابتدا به جهان پردازیم. داستان از زندگی سخن می‌گوید، اما همین مسئله را می‌توان به مطالب مربوط به شخصیت‌ها یا جامعه تقسیم کرد و متن در اینجا، شکل نگارش کتاب و مسائلی همچون ساخت آن و کاربرد زبان به وسیله نویسنده است... هیچ منتقدی صرفاً روی یک جنبه رمان تمرکز نمی‌کند... معمولاً در مورد داستان دو سؤال مطرح شده است؛ یکی درباره جامعه مورد بحث رمان و دیگری در مورد شخصیت‌ها. معمولاً در این سؤالات طرز تفکر و برخورد نویسنده به طور ضمنی نهفته است...» (پک، ۱۳۶۶: ۲۷-۲۵). اگر رمان را یک کل در نظر بگیریم که به تمام جنبه‌های زندگی انسانی می‌پردازد، پرداختن به اعمال و ارتباطات میان شخصیت‌ها یکی از وظایف آن است. «جنبه دیگری که مناسب آثار داستانی است، آنچه در آدمی مشهود و قابل رویت است یعنی کلیه اعمالش... و جنبه خیالی یا رمانتیک او که شامل احساسات و... است. بیان این جنبه‌ها از طبیعت انسانی یکی از وظایف عمده رمان است» (همان منبع: ۵۲). در ورای تصویر ارتباطات انسانی بین شخصیت‌هاست که خواننده خود به یک جهان بینی کلی در اثر دست می‌یازد. در جامعه مورد بحث رمان، عنصر دیگری از متن که بسیار حائز اهمیت است، زمان و مکان است؛ زمان و مکان در شخصیت‌پردازی، ایجاد صحنه و روح بخشیدن به توصیفات، نویسنده را مدد می‌رساند و به خواننده اجازه می‌دهد با متن ارتباط برقرار کند. اهمیت زمان از همان دوران پیدایش رمان وجود داشته است. «پس از دوره رنسانس، زمان به عنوان نیروی شکل‌دهنده تاریخ فردی و جمعی انسان اهمیت یافت... و فورستر عقیده دارد این رمان بود که با تصویر کردن زندگی بر بنیاد زمان وظیفه‌ای متمایز بر وظایف ادبیات افزود» (لاج و دیگران، ۱۳۷۴: ۳۲). «داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان... و زندگی روزانه نیز سرشار از حس زمان است...» (فورستر، ۱۳۶۹: ۳۳). اما پرداختن به جنبه زمان، نه از آن بابت که رمان را در چارچوب دوران آفرینش آن محبوس کنیم «سرچشمه‌های آثار بزرگ ادبی در گذشته ریشه دارد، بسنده کردن به درک و تشریح اثر بر مبنای زمانه اش، بر مبنای اوضاع دوره بی‌واسطه پیدایشش در حکم

² Anschauung

آن است که راه دستیابی به ژرفای معنای آن را برای همیشه بر روی خود ببندیم» (باختین، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

در این چیدمان صحنه های رمان و ارتباط بین اجزاء آن، مؤلف، هم از کلام و هم از مقوله های غیرکلامی بهره می گیرد. در این صحنه ها که بازیگران آن شخصیت های خاموش^۳ هستند، گاه با استفاده از حرکات و فضاهاى دقیق بهتر از هر کلامی می توان عمل احساسی و یا ظاهرسازی های غیرزبانی را به خواننده منتقل کرد. مقوله های غیرکلامی می تواند نقش مهمی در تنظیم مکالمه ایفا کنند، مانند نقش تکمیل، جایگزین و یا انکار یک پیام گفتاری. به طور مثال: «سیمین می گوید: امشب بچه را می آورید؟ توران دست به شانه مهرماه می گذارد و با سر اشاره مثبت می کند. مهرماه لب می گزد. با این حال می گوید: باشد (۱۰۹) - نقش جانیشینی -... توران جان به صورتش زد و گفت: خدا مرگم بدهد. بچه مردم را چشم زدم (۸۵) - نقش کامل کردن و...» (جزیره سرگردانی، ۱۳۸۲).

همچنین مقوله های غیرکلامی در صحنه های رمان می تواند ویژگی های شخصیتی و اجتماعی فرد، سن، تعلقات فرهنگی، عقاید، ارزش ها، خلق و خو و... را به شکل زندگی واقعی آنها نشان دهد.

باربارا کورته در کتاب «زبان بدن در ادبیات» به مقوله های پیام های غیرکلامی^۴ در رمان به عنوان نشانه هایی که می توانند شخصیت آفرینی و شناسایی شخصیت^۵، معرفی شخصیت ها، روابط میان فردی^۶، موقعیت های روانی^۷، اثبات، زمان و فرهنگ خاص شان نقش عمده ای را داشته باشند توجه نشان می دهد، و ابراز می دارد معرفی شخصیت ها از طریق مقوله های غیرکلامی ابزار بسیار مناسبی برای نشان دادن تضادها و شباهت ها بین شخصیت ها است و باعث واقع گرایی متن داستان می شود. وقتی رمان نویس در مکان و زمان خاصی با زبانی نمایشگر به ما می گوید چه می بینیم و بیشتر احساساتی نظیر امید و ترس و شادی و غم و عشق و نفرت را با کلماتی مکتوب اما همچون هنر سینما نمایش می دهد، در اینجا نمایش یک عمل خاص با استفاده از مقوله های غیرکلامی، اطلاعات بسیاری را به خواننده می دهد، تا اینکه خود (راوی) بخواهد به روایت تمام یا بخشی از رویداد، عمل، حالت و... با استنتاج و قلم فرسایی عقلانی و به یاد آوردن صحنه ها، توضیح دهد. به خصوص در زمینه بیان موقعیت های روانی و اجتماعی شخصیت ها که اگر استفاده از رفتارهای غیرکلامی کلیشه ای و تصنعی نباشد و با جنبه های روان شناختی و جامعه شناختی شخصیت ها و زمینه داستان هماهنگ باشند، بر ثبات ویژگی شخصیت ها تأکید و بر واقع گرایی اثر افزوده می شود. هر چه این شخصیت ها واقعی تر جلوه کنند، می توانند ارتباط بیشتری با مخاطب (خواننده) برقرار کنند ولی ارتباطات غیرکلامی صورت پذیرفته در فرهنگ و زمان نویسنده، تا میزان زیادی در اثرش نمایان می شود و تغییرات تاریخی در رفتار غیرکلامی کاملاً تأثیر دارد. معمولاً رفتار غیرکلامی در یک اثر تا محدوده زمانی مشخصی زنده به نظر می رسد و با مرور زمان آن رفتارها می تواند کهنه شوند و برای خوانندگان آینده عجیب به نظر برسد.

بیان مسئله

اسناد ارتباطی هر ملتی را می توان در هنر و ادبیات آن جستجو کرد. رمان به عنوان جزئی از اشکال ادبیات و نیز در جایگاه یک رسانه، به تولید و ارائه پیام به مخاطبان، با محتوا و سبک های گوناگون پرداخته است. رمان رسانه ای است که از طریق زبان، معانی (به یاری کلام، افکار و به یاری هنر، احساسات) را منتقل می کند. بیان احساسات و عواطف در رمان، هنری است که به وسیله پیام های غیرکلامی، در قالب حرکات و نشانه ها (زبان بدن) صورت می پذیرد.

بررسی مقوله های غیرکلامی به دلیل آن که بخش وسیعی از فرآیند ارتباط را به خود اختصاص داده است توجه بسیاری را می طلبد و پرداختن به آن در حوزه ادبیات، با توجه به قدرتی که در زبان ادبیات داستانی وجود دارد و هر پیامی ناقل یک مفهوم اجتماعی و حتی زمینه فرهنگی مشخصی است، دارای اهمیت فراوانی است. مخصوصاً مطالعه ادبیات داستانی بعد از

³ Captive Personality

⁴ Categori of Nonverbal Messages

⁵ Characterization and Character Identification

⁶ Interpersonal Relationships

⁷ Mental States

مشروطه در ایران، مانند ساده شدن نثر و عوامل دیگر که می‌توانند در روند تحول پرداختن به مقوله‌های ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌ها تأثیر به‌سزایی داشته باشند؛ به‌ویژه در رمان‌های واقع‌گرا، توجه خاصی به ارتباطات انسانی شده و استفاده از زبان بدن و رفتارهای غیرکلامی در رمان می‌تواند در آشکار کردن جنبه‌های پنهانی از متن خواننده را یاری رساند و اطلاعاتی را در رابطه با روابط انسانی، فضا و محیط پیرامونی ارائه دهد. در تحقیق حاضر نیز با رمان‌های واقع‌گرا رو به رو هستیم. حوادث رمان‌ها اغلب روزگار انسان مدرن است؛ انسانی که با تعارض و تضاد و سرگردانی مواجه است و در پی جهانی نو و مفهومی تازه تر از انسان و زندگی است. «در حقیقت آنگاه که آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد؛ رمان نیز تولد یافت» (میرصادقی جمال، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

تولد رمان در ایران هم زمان با انقلاب مشروطه و محاکمه بسیاری از آزادی‌خواهان است، در واقع «سؤال اساسی باختین نیز همین بود که چرا تولد اولین رمان (دن کیشوت) هم زمان می‌شود با مرگ گالیله؟... از نظر لوکاچ چرا بیشتر قهرمانان این داستان‌ها سرنوشت تباهی دارند؟

با انقلاب مشروطه و تحولات فکری و اجتماعی حاصل از آن، ادبیات ایران رو به واقع‌گرایی نهاد و با تولد رمان کم‌کم حماسه و نظم جای خود را به رمان و نثر داد» (www.kanoonweb.com).

انقلاب مشروطه در ایران محصول نگاهی واقع‌گرایانه به انسان و جهان اطرافش بود. در رمان‌های مورد بررسی نیز با انسان‌هایی رو به رو هستیم که در پی تحولات اجتماعی از تعلقات جمعی و گروهی دوری گزیده و رو به سوی فردگرایی دارند. اکثر این شخصیت‌ها سرنوشت تباهی دارند و گاه منطقی با مرگ قهرمانان پایان می‌یابد. شاید «مرگ سازش است میان ارزش‌های تحقق‌ناپذیر و تاریخ اجتماعی ناپذیرفتنی که آدمی را به شیء بدل می‌کند» (سمیعی، ۱۳۷۴: ۲۲۴).

رمان‌های مورد بررسی در این پژوهش (سووشون، جزیره سرگردانی، ساریان سرگردان)، از جمله پرمخاطب‌ترین رمان‌ها، در زمان انتشار و پس از آن بوده‌اند که در دوران اوج گیری رمان‌های ضد استعماری به نگارش درآمده‌اند و به مسائلی می‌پردازند که روند مدرنیزاسیون رضاخانی برای ایران به بار آورده است. در واقع «وقتی رضاخان به قدرت نزدیک می‌شد، نبرد سنت و تجدد به طور کامل شکل گرفته و در آغاز راه بود» (محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۱۱۳۰). هدف رضاخان از این تغییرات اجتماعی، مدرنیزه کردن کشور به شکل تقلید شده از غرب بود که این هدف او عملی نشد. رمان‌های مذکور با رویکردی پسااستعماری، به مفاهیمی چون مبارزه، بیگانه‌ستیزی، گرمی داشتن سنت بومی، سردرگمی انسان میان رهایی و یا پابندی به سنت و یا مدرنیته... می‌پردازند. این رمان‌ها وقایع دهه‌های ۱۳۵۰-۱۳۲۰ جامعه ایران را به نمایش می‌گذارند؛ سبک رمان‌ها واقع‌گرا است که تحلیل آن می‌تواند خود گویای ارتباطات میان فردی و سبک زندگی جامعه ایران باشد.

در این پژوهش، شخصیت‌های برگزیده رمان‌های سیمین دانشور از منظر ارتباطات غیرکلامی از قبل تا بعد از انقلاب اسلامی براساس زمان وقوع حوادث و نقاط زمانی و نوع روایت‌گری رمان‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. مزیت تحلیل شخصیت‌های رمان‌های دانشور از منظر ارتباطات غیرکلامی در آن است که نویسنده، «ارتباطات میان فردی» شخصیت‌ها را به بهترین وجه به نمایش گذارده و آنها را از حالت تیپ خارج ساخته و «فردیت»^۸ خاصی بخشیده است. این خود باعث بررسی بهتر مقوله‌های ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌ها است.

جدا کردن و برجسته کردن مسئله ارتباطات غیرکلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شخصیت‌پردازی در رمان فارسی و به دست آوردن یکی از معیارهای تحلیل رمان واقع‌گرا، از اهداف این پژوهش است. نگارنده سعی دارد ارتباطات غیرکلامی را در متن رمان به لحاظ اهمیتی که در شخصیت‌پردازی و لذت بخشی اثر بر خواننده و ماندگاری اثر دارد، بررسی نماید. در این راه محقق بر آن است به پرسش زیر پاسخ دهد:

ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های داستانی در رمان چگونه تجلی می‌یابد؟

⁸. Individuality

مبانی و چارچوب نظری

از ارتباطات غیرکلامی تاکنون تعاریف و توصیف های زیادی ارائه شده است. اما در این خصوص ما سعی می کنیم مهم ترین و کاربردی ترین آن را نقل کنیم. هایگ بوس ماجیان (۱۹۷۱) در کتاب «بلاغت ارتباطات غیرکلامی»، این تعریف را ارائه داده است: واژه ارتباطات غیرکلامی به دامنه وسیعی از پدیده ها اطلاق می شود که حوزه گسترده ای را در بر می گیرد؛ از بیان چهره ای تا اشاره اندامی تا مد و نمادهای وضعیتی، از رقص و نمایش تا موسیقی و لال بازی، از جریان تأثیر گذار تا جریان ترافیک، از حیطه قلمرو جویی حیوانات تا عهدنامه های سیاسی، از ادراک فرا حسی تا رایانه های قیاسی و از بلاغت مرتبط با خشونت تا بلاغت مربوط به پایکوبی های نخستین». این تعریف، از بین دیگر تعریف ها از میزان پذیرش مطلوب تری برخوردار است. چرا که ارتباط غیرکلامی را گستره وسیعی از فعالیت های اندامی انسان تا محیط زندگی و قلمرو حیوانی، در نظر گرفته است (ریچموند، مک کروسکی، ۱۹۳۸:۱۹).

حرکت و حالت بدن: حالت بدن، جنبش شناسی نامیده می شود که بر روی حرکات دست ما، بازوها، حالت بدن، تنه و حرکات بدنی (مانند قدم زدن) متمرکز است (همان منبع، ۹۷). در زیر شاخه واژه عمومی «جنبش» زیر شاخه هایی از زبان بدنی توزیع و توصیف می شوند: ۱- حرکات بدن ۲- طرز ایستادن بدن ۳- حالت های چهره ۴- وضعیت و رفتار چشم ۵- واکنش های فیزیولوژیکی و فیزیوشیمیایی اتوماتیک (اعم از لغزش، تغییر رنگ پوست، عرق کردن و غیره). همچنین حرکات بدن به انواع: ۱- حرکات ۲- فعالیت های عملی، نیز تقسیم شده است: طرز ایستادن یا ژست به حرکات قسمت هایی از بدن که به وضوح مشخص شده اند مربوط است؛ برای مثال تکان دادن سر یا بالا بردن دست، تکان دادن دست و غیره. چنین حرکاتی به نسبت سایر حرکت ها، معانی کهن تری دارند و اغلب به طور خاص برای انتقال معانی خاص یا ارتباط خاص به کار می روند. واژه حرکت به تمامی موارد دیگر حرکات بدنی اطلاق می شود که شامل تکنیک های بدنی و سایر رفتارهای عملی می شوند (کورت، ۱۹۹۷:۳۸).

نورتن اظهار می دارد اصلی ترین سبک های ارتباط گران عبارتند از: نمایشی، غالب، متحرک، راحت، دقیق، آزاد، دوستانه، جنجالی و تأثیرگذار.

سه جنبه کلی سبک ارتباطی ارتباط گران وجود دارد: جسارت^۹، تفاهم^{۱۰} و چند کاره گی^{۱۱}. «جسارت» عبارت است از کنترل و توانایی ارتباط گران برای حفظ علاقه و توجه شنونده ها. عواملی که برای یک ارتباط گران جسور مشترک است عبارتند از: تسلط، تحکم، استقلال، حضور، متهم کردن و تمایل به دفاع از باورهای شخصی خود. ارتباط گران جسور یک آغازکننده است. او با بیانی پویا، تنوع صدا و حرکات و اشاره های مداوم، به طور فعال به حفظ توجه دیگران می پردازد. ارتباط گری که «سبک تفاهم» را به کار می برد با ویژگی های، هیجانی بودن، تفاهم، احساسی و نزدیک بودن مشخص می شود. ارتباط گران حساس از طریق کنش های خود، دوستی، محبت، صداقت، و مهربانی را نشان می دهد. این افراد مشتاق اند که احساسات جریحه دار را تسکین بخشند و اغلب به دیگران دلداری می دهند. آنها مایلند با به کارگیری واکنش های مثبت، سودمند واقع شوند و مدام به خاطر ارتباطات آزاد، دیگران را پاداش می دهند. سبک تفاهم ترکیبی از سبک های آزاد، دقیق و دوستانه است. سومین جنبه کلی ارتباطات، «چند کاره گی» است. ارتباط گران همه کاره ای هستند که خود را با رفتار ارتباطی دیگران وفق می دهند. آنها اغلب با حالتی دقیق به دیگران اجازه می دهند تا از اشتیاق شان برای سازگار بودن آگاه شوند و بیشتر از سبک تفاهم بهره می گیرند. رفتار، بسته به شخص یا موقعیت، انعطاف پذیر است. شخصی که مستعد این سبک ارتباطی است، آگاهانه به یک سطح بالا یا پائین، یا تقریباً به همه سبک های توصیفی نورتن توجه می کند. مسلماً این فرد از توانایی ارتباطی قابل ملاحظه ای برخوردار است (ریچموند، مک کروسکی، ۱۹۳۸:۱۸۳).

⁹ Assertiveness

¹⁰ Responsiveness

¹¹ Versatility

ظاهر فیزیکی: اولین پیام ما به هر کسی که با او در ارتباط هستیم، به وسیله ظاهر فیزیکی مان منتقل می‌شود. مقوله‌های مربوط به ظاهر فیزیکی عبارتند از: ۱. جذابیت فیزیکی و شکل و حالت بدن ۲. استفاده از مصنوعات ۳. لباس و پوشش ۴. آرایش مو.

پیام‌های غیرکلامی شکل و اندازه‌ی بدن^{۱۲}: ویلیام شیلدن^{۱۳} را اولین کسی می‌دانند که این نظریه را با نام نوع بندی اندام انسانی^{۱۴} ابداع کرد. اکنون بسیاری از نویسندگان ارتباطات غیرکلامی برای کار وی ارزش قائلند.

اولین نوع اندام، به طور کلی اندومورف^{۱۵} (فربه تن) نامیده می‌شود. نوع دوم مزومورف^{۱۶} (ستبرتن) نامیده می‌شود. ستبرتن‌ها (مزوها) با بدن مثلثی شکل توصیف می‌شوند و با شانه‌هایی پهن که به تدریج تا باسن باریک می‌شود. نوع سوم اکتومورف^{۱۷} (کشیده تن) نامیده می‌شود. کشیده تن‌ها (اکتوها) افرادی هستند استخوانی، لاغر و بلند، دارای جثه‌ای به ظاهر شکننده، سینه‌ای صاف و عضلانی کشیده و رشد نیافته^{۱۸} (ریچموند و مک کروس، ۱۳۸۸:۱۲۲).

حالت بدن: حالت بدن منبعی است سرشار از اطلاعات، راجع به حالات و روابط هیجانی. نحوه راه رفتن ما، چه با جنب و جوش و چه سلانه سلانه، پیام‌هایی را به دیگران می‌فرستد. نحوه نشستن ما، نشان‌دهنده اشتیاق یا بی‌حوصلگی ماست. شغلن یکی از نویسندگان و محققان سرشناس در زمینه جنبش‌شناسی اظهار داشته است ما به شیوه‌های مختلف از طریق حالت بدنمان می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم. شغلن کلیه حالت‌های بدن افرادی که با هم در تعامل اند را به سه دسته اصلی تقسیم کرد: مشمول یا غیر مشمول، رو در رو بودن یا به حالت موازی قرارگرفتن، و مشابه یا غیر مشابه.

۱. مشمول در مقابل غیر مشمول^{۱۹}: نشانه‌های مربوط به حالت بدن در این مقوله، ژست‌ها یا حالت‌هایی هستند که افراد دیگری را نیز در برمی‌گیرد یا آنها را شامل نمی‌شود.

۲. رو در رو در مقابل موازی قرارگرفتن^{۱۹}: این مقوله بیشتر به رابطه حالت بدن بین دو نفر که در حال گفتگو هستند، اشاره دارد. حالت رو در رو حاکی از تعامل بسیار رسمی یا حرفه‌ای است. فرد احساس می‌کند باید مدام طرف مقابل را کنترل کند و نشانه یک تعامل بسیار فعال باشد، در حالی که موازی قرار گرفتن حاکی از تعاملی عادی یا بی‌تفاوت است.

۳. مشابه در مقابل نامشابه^{۲۰}: آخرین مقوله شغلن، مشابه در مقابل نامشابه است. این مقوله اشاره دارد به این که آیا دو نفر حالت بدنی مشابهی را تقلید می‌کنند یا آن را دارند. وقتی حالت‌های بدن دو نفر مشابه است، ممکن است نشانه توافق، تساوی و دوستی بین آنها باشد. وقتی هم حالت‌های بدن دو نفر نامشابه است، اولین پیامی که منتقل می‌شود این است که تعامل کنندگان از موقعیت اجتماعی متفاوتی برخوردارند. حالت بدن ما تأثیرگذارترین عامل در بازتاب جنسیت ماست (همان منبع: ۱۷۸-۱۷۶).

پیام‌های غیرکلامی لباس: «به گفته موریس، یکی از دلایلی که ما مطابق میل خود لباس می‌پوشیم، راحتی و ایمنی است و دومین کارکرد لباس، پوشش است. در برخی فرهنگ‌ها، مردم به رغم زندگی در شرایط آب و هوای طاقت فرسا، خود را نمی‌پوشانند. این امر نشان می‌دهد انگیزه لباس پوشیدن متفاوت است. سومین کارکرد لباس، نمایش فرهنگی است. اصولاً اشیاء به کار رفته در لباس، نمادهای اجتماعی و فرهنگی هستند که موقعیت اجتماعی و اقتصادی، سطح اقتصادی، موقعیت اجتماعی، اصول اخلاقی، پیشینه آموزشی، وفاداری، سطح پیشرفت، سطح موقعیت و پیشینه اجتماعی ما را انتقال می‌دهند» (همان منبع: ۱۳۱).

12. Nonverbal Messages of Body shape and size

13. William Sheldon

14. Somatotyping

15. Endomorph

16. Mesomorph

17. Ectomorph

18. Inclusive VS. Noninclusive

19. Face – to – Face VS. Parallel Body orientation

20. Congruence VS. Incongruence

مصنوعات و زیورآلات: ریچموند و مک کروس می دارند: زیورآلاتی که برای زینت بدن و لباس به کار برده می شوند، «مصنوعات شخصی» نامیده می شود و حتی بیشتر از لباس هایمان پیام هایی درباره ما برای گفتن دارند. جواهر آلات، عینک، کلاه ها، کیف های پول، کوله پشتی ها، چمدان ها، قلمی که برای نوشتن در جیب پیراهن تان می گذارید و حتی وسایل مربوط به سیگاری ها، همه به نوعی از طریق شخصیتی که در پشت آنها قرار دارند، با دیگران ارتباط برقرار می کنند (ریچموند و مک کروس، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

پیام های غیرکلامی مو: ریچموند و مک کروس در کتاب «رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی» در مورد پیام های غیرکلامی مو این گونه می گویند: «آرایش مو، ادراک ما راجع به جذابیت و توانایی های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهند. مدل و آرایش مو، درباره هنجارهای اجتماعی، سرخهایی به ما می دهد. پیام های غیرکلامی مو، از رنگ مو، بلندی مو، موی صورت و دستکاری مو حاصل می شوند» (همان منبع: ۱۳۱).

چهره و رفتار چشم: مطالعه رفتار چشم، تماس چشمی، حرکات چشمی و کارکردهای رفتار چشم ارتباطات چشمی (ارتباطات بصری) نامیده می شود. تقریباً ۸۰ درصد از اطلاعات ما دربارهی دنیای پیرامون از طریق چشم ها در اختیارمان قرار می گیرند (همان منبع، ۲۱۵). پاول اکمن و والس فریزن، در اواسط دهه ۷۰ منشاء و کاربرد رمزها و «رفتارهای غیرکلامی» را به عنوان یک نظریه مطرح نموده اند. اکمن و فریزن و تام کینز روشی را برای تعیین و ارزیابی حالت های چهره افراد مطرح کردند که **فست** (FAST) نامیده می شود. براساس شش حالت اصلی چهره که اکمن دسته بندی کرده بود (یعنی: غم، شادی، خشم، تعجب، تنفر و ترس)، می توان ناحیه ای از چهره را که در آن احساسات خاصی ظاهر می شوند، دقیقاً شناسایی کرد (همان منبع: ۲۰۳). اگر چه زبان بدن در ادبیات با استفاده از کلمات به طور مناسب انتقال می یابد، اما می تواند هنوز دلیلی بر وجود عناصر غیر قابل بیان بسیاری از احساسات باشد. اطلاعات مربوط به یک فرد که از طریق زبان بدن انتقال می یابد، فراتر از احساسات وی جریان می یابد، به همین دلیل «پویاتوس»، روش و تئوری اکمن و فریزن را وسعت بخشید و مبحث «ظاهرسازی» را به آن می افزود. ظاهرسازی واکنش هایی به گذشته و حال سایر افراد، به واقعیت های انتظار داشته یا تصور کرده آنها، به آنچه می بایست گفته می شد و گفته شده، سکوت شده، مورد انجام قرار می گرفته، انجام نشده و... است. ظاهرسازی در کنار نمایش احساسی که همان بیان خودجوش احساسات است (تعجب، ترس، خشم، شادی و... که ذاتی و جهانی اند و قوانین خاص فرهنگی در ابرازشان وجود دارد)، قرار می گیرد (کورت، ۱۹۹۷: ۴۱).

چهره انسان ابزار اولیه برای انتقال حالت های احساسی است. شاید بتوان گفت چهره انسان، به ویژه ناحیه اطراف چشم ها، مهم ترین بخش در انتقال پیام های غیرکلامی به شمار می آید (همان منبع: ۱۹۳).

لمس کردن: واژه بساوانی به رفتار لمس ارتباط دارد. و بوسیدن، در آغوش گرفتن، نوازش، نگر داشتن در دست، نیشگون گرفتن و زدن را شامل می شود. رفتار لمسی از حرکات بدن نشأت می گیرد و بر این دلالت دارد که بین فرستنده و گیرنده فاصله اندکی وجود دارد (کورت، ۱۹۹۷: ۳۸). لمس کردن اهمیت به سزایی دارد، زیرا مؤثرترین ابزار برای انتقال بسیاری از احساسات و عواطف به شمار می رود.

آدلر و تاون درباره ارتباطات میان فردی در کتاب خود تأکید کرده اند که لمس کردن به تنهایی برای ادامه زندگی ضروری است و حال اظهار می دارد مطالعه درباره لمس کردن، بخش سازنده حفظ مردم در متن فرهنگ هایشان است. نکته ای که حال مورد توجه قرار داده مطلب بسیار مهمی است. نحوه لمس کردن، میزان لمس کردن و هدف از لمس کردن به میزان زیادی، در نتیجه هنجارهای فرهنگی به وجود می آید (ریچموند و مک کروس، ۱۳۸۸: ۲۹۹). مطالعه جنبه های ارتباطی لمس کردن **بساوانی و ارتباطات** نامیده می شود.

رفتار آوایی: مطالعه ارزش ارتباطی رفتار آوایی یا **پیرایان**، ارتباطات آوایی نامیده می شود و عبارت است از: ۱. آواسازی

۲. اثرگذاری صدا ۳. سکوت و مکث ۴. لهجه و گویش. کارکردهای ارتباط غیرکلامی اغلب با نشانه‌های آوایی به اجرا در می‌آیند. مثلاً نشانه‌های آوایی کلام را تقویت می‌کند. نشانه‌های آوایی می‌توانند پیام کلامی را نیز نقض کنند. «اصطلاح روابط غیرزبانی نیز توسط، رامش و کیس (۱۹۵۶) بیان شد که در ادبیات تحقیقی حفظ شده است... و در مفهوم وسیعش شامل، صدور نشانه‌ها به وسیله تمامی نشانه‌های حسی، محیطی، تصنعی و غیرزبانی است که در فرهنگ پذیرفته شده اند.

مطابق نظر لویرو و هاتسن (۱۹۷۲) رفتار غیرزبانی می‌تواند به رفتار صوتی و غیرصوتی تجزیه شود. که دومی معمولاً پارازبان نامیده می‌شود و پدیده غیرزبانی همچون کیفیت صدا، ندا، صدای خنده، صدای هق هق، سرفه و سکوت را در بر می‌گیرد. این رفتار غیرزبانی نقش بسیار مهمی در زندگی بازی می‌کند» (کورت، ۱۹۹۷: ۲۸-۲۶).

فضا: به گفته ادوارد تی. هال، انسان شناسی که نشانه شناسی فضایی را به عنوان یک قانون و رابطه مستقل مطرح کرد، (Proxemics) به عنوان نشانه شناسی فضایی تعبیر شده است. پژوهش‌های هال به تعدادی از موارد استفاده فردی، درک، مفهوم فضا و رفتار فضایی اختصاص یافته است (کورت، ۱۹۹۷: ۳۸). هال، در دهه ۶۰ برای نخستین بار اصطلاح نزدیکی را به عنوان یک نظریه مطرح کرد. تحقیقات وی در این زمینه موجب درک جدیدی از ارتباطات غیرکلامی انسان‌ها از یکدیگر شد. هال فاصله‌های غیرکلامی میان انسان‌ها را به فضای ارتباطی تعبیر می‌کند و آنرا به چهار دسته صمیمانه، شخصی، اجتماعی و عمومی تقسیم می‌کند. «وجود فاصله فیزیکی بین فرستنده و گیرنده در ارتباطات غیرکلامی مهم است. چهار نوع فاصله وجود دارد: فاصله صمیمی (۱۵ تا ۵۰ سانتی‌متر)، فاصله شخصی (تا ۱۲۰ سانتی‌متر)، فاصله اجتماعی (۱۲۰-۲۲۰) و فاصله عمومی (۳ الی ۷ متر)» (محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۲۷۶). مطالعه روش‌های استفاده انسان از فضا و ارتباط برقرارکردن با آن مجاورت و ارتباطات نامیده می‌شود (ریچموند و مک کروس، ۱۳۸۸: ۲۶۹-۲۶۷).

قلمرو: «فضای شخصی» برای هرکس پیکر او را در مرکز خود دارد، درحالیکه «قلمرو» چنین نیست. یعنی چه پیکر شخص در میان باشد و چه نباشد، قلمرو به قوت خود باقی است (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۸۲). مقوله‌های قلمرو توسط آلمن و سایر پژوهشگران به چندین نوع دسته‌بندی شده‌اند: اصلی، فرعی، عمومی، خانوادگی، تعاملی و بلندی.

دفاع ارضی و تعدی. دفاع ارضی مستلزم یکی از دو روش اصلی زیر است: اولین روش دفاع، اقدام پیش‌گیرانه و دومین روش، واکنش است. با این حال ما اغلب تعدی را به گونه‌ای منفی ادراک می‌کنیم. سه نوع کلی تعدی وجود دارد که معمولاً آنها را با سه طرز منفرجه ادراک می‌کنیم: تجاوز، تهاجم و آلیش (VIC). تجاوز استفاده ناموجه از قلمرو دیگری است.

واکنش در برابر تعدی: ۱. عقب نشینی: یعنی رفتارمان را با فاصله‌گیری از متجاوز تعدیل کرده و به او اجازه تصرف می‌دهیم. به طور خلاصه، ما بدون راه انداختن جنگ و دعوا، فرار می‌کنیم. ۲. دفاع ارضی: مالک را به بیرون راندن متجاوز از قلمروش فرا می‌خواند. در میان انسان‌ها این واکنش معمولاً به عنوان آخرین راه حل استفاده می‌شود. (همان منبع: ۲۷۸)

محیط زندگی و محیط فیزیکی: ادوارد تی. هال فضای ثابت را این گونه عنوان می‌کند: فضایی که ثابت یا جابه‌جا نشدنی است. مثل ویژگی‌های فیزیکی خانه‌ها، اداره‌ها، اتاق‌ها، مدارس و حتی نقشه شهرها و شهرستان‌ها. علاوه بر چیدمان فضایی، عوامل محیطی دیگری نیز وجود دارند که بر رفتار ارتباطی اثر می‌گذارند. مانند تأثیر جلادیت، رنگ، نور، دما و بوی محیط بر تعامل (ریچموند و مک کروس، ۱۳۸۸: ۳۴۹-۳۴۴).

ویژگی‌های ادراکی محیط: محیط فیزیکی ما به روش‌های گوناگونی ادراک می‌شود. ادراک‌های محیط‌هایی که در آن تعامل می‌کنیم بر رفتارهای ارتباطی ما تأثیر می‌گذارد. ما اغلب محیط اطرافمان را طوری تزیین می‌کنیم که عمداً ادراک‌های خاصی را در افرادی که از این محیط‌ها استفاده می‌کنند، به وجود بیاوریم.

شش ویژگی ادراکی محیط، که نپ بیان می‌کند و نیز رفتارهای ارتباطی مرتبط با آنها را بررسی می‌نمائیم. این شش ویژگی ادراکی عبارتند از: رسمیت، گرمی، خصوصیت، خودمانی، محدودیت و فاصله.

زمان: مطالعه جنبه‌های ارتباطی زمان «زمان و ارتباطات» نامیده می‌شود. زمان و ارتباطات عبارت است از چگونگی

ادراک، استفاده، مطالعه، ساختار، تعبیر و واکنش ما به پیام‌های زمان. به گفته‌ی هیکسون و استنکز، مطالعه زمان و ارتباطات، «بخش مهم ارتباطات غیرکلامی به شمار می‌رود زیرا ما معمولاً کنش‌ها و واکنش‌هایمان را در تسلسل زمانی ادراک می‌کنیم» (همان منبع: ۳۶۷-۳۶۱).

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین انواع ارتباطات غیرکلامی و نقاط زمانی رمان‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین انواع ارتباطات غیرکلامی و نوع روایت‌گری رمان‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین انواع قلمروجویی و زمان وقوع حوادث رمان‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین انواع ظاهر فیزیکی و انواع ویژگی‌های ادراکی محیط رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین انواع رفتار چشم و انواع شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین انواع رفتار بساوایی و انواع جذابیت محیط رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی

در این پژوهش، از روش «تحلیل محتوا» و ابزار «پرسش‌نامه معکوس» برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری آثار برگزیده سیمین دانشور است که شامل تمام آثار داستانی دانشور می‌شود و رمان‌های سیمین دانشور (سوشون-جزیره سرگردانی - ساریان سرگردان) به عنوان نمونه برای تحلیل انتخاب شده‌اند که از نظر تیراژ و استقبال مخاطبان از دیگر آثار داستانی در رتبه بالاتری قرار دارند.

در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری «سه‌میه ای» برای به دست آوردن اطلاعات استفاده شده است. ابتدا براساس میزان تیراژ و استقبال مخاطبان از آثار دانشور از قبل تا بعد از انقلاب اسلامی رمان‌های ایشان که تعداد آنها سه جلد بوده، انتخاب و سپس از میان آنها فصل‌ها و فصل‌ها انتخاب شده است. کل قسمت‌های اصلی فصل‌های رمان براساس حضور شخصیت‌های مورد بررسی در آن قسمت‌ها است که ارتباط غیرکلامی هم صورت پذیرفته باشد. در سوشون ۲۲ فصل با ۳۰۴ صفحه، در جزیره سرگردانی ۲۰ فصل با ۳۲۶ صفحه و در ساریان سرگردان ۱۲ فصل با ۳۰۷ صفحه است. در مجموع «۹۷۱ آیت» مورد بررسی قرار گرفته است.

ابتدا متغیرهای پژوهش تعیین و تعریف شدند و بعد از مشخص شدن واحد تحلیل (شخصیت)، رمان‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های پژوهش از طریق کدگذاری قسمت‌های اصلی فصل‌های رمان که شامل «۹۷۱ ارتباط» است بر برگه کدگذاری براساس متغیرهای تحقیق به دست آمدند و پس از ورود داده‌ها به رایانه، پردازش آنها از طریق نرم‌افزار آماری «SPSS» صورت گرفت. در این پژوهش مراحل جمع‌آوری اطلاعات شامل موارد زیر بوده است:

۱. مطالعه کلیه رمان‌ها و هم مطالعه آثار دیگری از نویسنده، توسط محقق (مطالعه تمام مقالات و انتقادات نسبت به رمان‌ها).
۲. انتخاب و تقسیم‌بندی شخصیت‌ها براساس موضوع و نقش و میزان تأثیرگذاری در مفهوم غایی رمان.
۳. زمان‌بندی هر رمان براساس هرم فریتاگ به پنج قسمت آغاز، اوج‌گیری، اوج، فرود، پایان و زمان‌بندی تاریخی حوادث رمان‌ها.
۴. تقسیم‌بندی قسمت‌های وابسته و اصلی داستان بر اساس گره‌گذاری‌ها و گره‌گشایی‌ها (در قسمت‌هایی اصلی می‌توان به دریافتی کلی از داستان رسید).
۵. مطالعه و تقسیم‌بندی مقوله‌های غیرکلامی که بیشتر مرتبط با مضمون این رمان‌ها است.

۶. به دست آوردن مقوله های ارتباطات غیرکلامی شخصیت ها در قسمت های اصلی داستان و درج آن در جدول کد گذاری.

۷. در پایان نیز با استفاده از روش «SPSS» اطلاعات گردآوری شده مورد تحلیل قرار گرفته و برای هر کدام از نظریات ارائه شده جداول آماری ارائه شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق از روش آمار استنباطی *خی دو دو متغیره و آمار توصیفی* استفاده شده است و برای برآورد روایی وسیله اندازه گیری تحقیق، از برآورد «سکات» استفاده شده که برای کل پرسش نامه برابر با ۸۰٪ است و بیانگر ضریب پایایی قابل قبول است. به این صورت که با توجه به تعداد و حجم متغیرهای اسمی، چند متغیر کلیدی و مهم را انتخاب کرده و به همراه تعاریف عملیاتی به گروه کدگذاران برای کدگذاری داده می شود.

یافته ها

ارتباطات غیرکلامی و نقطه زمانی

توزیع فراوانی بین متغیرهای مورد بررسی در فرضیه ۱

مجموع	نقطه ی زمانی				وضعیت	مقوله های غیرکلامی
	پایان	لحظه فرود	نقطه اوج داستان	لحظه شروع عمل اوج گیری		
۲۳۵	۲۷	۲۰	۲۳	۷۹	۸۶	حرکت و حالت بدن
۲۰۴	۲۴	۱۶	۱۹	۷۸	۶۷	ظاهر فیزیکی
۲۱۱	۲۵	۱۶	۲۳	۷۷	۷۰	حالات چهره
۷۹	۱۱	۴	۵	۲۵	۳۴	رفتار چشم
۱۲۲	۱۳	۸	۱۸	۳۷	۴۶	رفتار آوایی
۹۶	۷	۶	۱۰	۴۲	۳۱	رفتار بساویی
۲۴	۶	۰	۰	۳	۱۵	قلمرو جویی
۹۷۱	۱۱۳	۷۰	۹۸	۳۴۱	۳۴۹	مجموع

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار χ^2 دو
۰/۱۸۴	۲۴	۳۰/۰۲۶

تحلیل فرضیه ۱

نتایج این پژوهش نشان می دهد، در ارتباطات غیرکلامی شخصیت های بررسی شده سه رمان (سوشون، جزیره سرگردانی، ساریان سرگردان)، بیشترین ارتباطات غیرکلامی ارائه شده در بخش های آغازین و اوج گیری رمان ها بوده است و پردازش رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در نقاط اوج، فرود و پایان این رمان ها بسیار کم رنگ است. حتی در سوشون که نقطه اوج و پایان داستان بسیار به هم نزدیک است و نویسنده سعی کرده است تصویری تراژیک برای کشته شدن یوسف (قهرمان داستان) و تشییع جنازه او بسازد. با این حال، ارائه رفتارها و ارتباطات غیرکلامی بین شخصیت ها بسیار کم رنگ است و این در حالی است که دانشور، آداب و فضاها را بسیار زیبا به تصور می کشد. شخصیت آفرینی در هر دوره زمانی نیز بی نظیر است و نویسنده آنان را به طور غیرمستقیم با گفتار، نام، توصیف محیط و وضعیت ظاهری معرفی می کند. اما در عمل، کنشش بین شخصیت ها محسوس نبوده و در نقاط گره گذاری و گره گشایی رمان نابهنگام عمل می کند و خواننده را به بطن رفتارها نمی کشاند و این خود از جذابیت داستان

می‌کاهد. بیشترین ارتباطات غیرکلامی در صحنه‌های آغازین رمان‌ها، توسط حرکت و حالت بدن، رفتار آوایی، رفتار چشم، و قلمرو جوی به نمایش درآمده است. در لحظه شروع عمل اوج‌گیری رمان‌ها به ترتیب ظاهر فیزیکی، حالات چهره و رفتار بساوایی بیشتر به نمایش درآمده است.

ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های داستانی در نقاط مختلف زمانی رمان، در هر دوره رخ داده است، در سووشون که وقایع دهه ۲۰ را به نمایش می‌گذارد، بیشترین ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌ها در آغازین صحنه‌های رمان است. سپس در نقاط اوج‌گیری داستان، زمانی که تعدی عوامل مدرنیته به قلمرو اصلی اشخاص سنتی صورت می‌پذیرد و پس از آن به ترتیب در نقاط اوج - نقطه پایانی - لحظه فرود داستان به نمایش درآمده است. در این رمان کمترین ارتباطات غیرکلامی در لحظه فرود داستان مشاهده می‌شود. در لحظه‌ای که مصیبت مرگ یوسف بر خانه زری حاکم شده است و شهروندان و اهل خانه در سکوت و حیرت تصویر شده‌اند. سکوت تنها ارتباطی است که در این نقطه از رمان بیش از دیگر مقوله‌های غیرکلامی بین شخصیت‌ها حاکم است. این عامل بر ظاهرسازی حرکات و رفتارها می‌افزاید و بیش از هر عمل احساسی با خواننده ارتباط برقرار می‌کند. ارتباطات دیگر شخصیت‌های اصلی و فرعی با زری بسیار کمرنگ است و با تشییع جنازه یوسف در نقطه پایانی این ارتباطات کم و بیش فزونی می‌یابد. در تمام رمان‌های مورد بررسی، در نقاط گره‌گذاری داستان ارتباطات غیرکلامی فزونی یافته و در گره‌گشایی‌ها با کمترین میزان مواجه می‌شویم.

در اواسط دهه ۵۰ (رمان جزیره سرگردانی)، بیشترین ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌ها، در آغازین صحنه‌های رمان، سپس در نقاط اوج‌گیری داستان، و پس از آن به ترتیب در نقاط پایان - لحظه فرود - نقطه اوج داستان به نمایش درآمده است. در این رمان کمترین ارتباطات غیرکلامی در نقطه اوج داستان مشاهده می‌شود. در این داستان ازدواج هستی با سلیم (سنت)، پناه بردن او به عرفان اسلامی و وداع هستی از حساس‌ترین نقاط اوج از نظر موضوعی برای خوانندگان به حساب می‌آید.

در اواخر دهه ۵۰ (رمان ساریان سرگردان)، بیشترین ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌ها در نقاط اوج‌گیری رمان، سپس در نقاط آغازین داستان و پس از آن به ترتیب در نقاط اوج - پایان - لحظه فرود داستان به نمایش درآمده است. در این رمان کمترین ارتباطات غیرکلامی در لحظه فرود داستان مشاهده می‌شود.

در ارتباطات بررسی شده، در هر سه دوره با پایان یافتن داستان ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌ها (حرکت و حالت بدن، ظاهر فیزیکی، حالات چهره، رفتار چشم، رفتار آوایی، رفتار بساوایی و قلمرو جوی) نسبت به نقطه قبل (لحظه فرود) رو به فزونی می‌گیرد. در تمام رمان‌ها بیشترین کنش غیرکلامی بین شخصیت‌ها در نقاط آغازین و اوج‌گیری داستان به وقوع پیوسته است و کمترین ارتباط در لحظه فرود داستان است.

در آغازین نقاط، نمایش رفتار غیرکلامی حرکت و حالات بدن شخصیت‌ها، به خاطر نشان دادن سبک ارتباطی آنان به خواننده است، نویسنده براساس شناختی که از فرهنگ ایران دارد، سبک ارتباطی مناسبی برای شخصیت‌ها آفریده است. رهبران اقشار و قهرمانان مرد داستان، اغلب دارای سبک ارتباطی جسارت‌آمیز هستند. این قهرمانان انقلابی بوده و دارای ویژگی تسلط، تحکم، استقلال، حضور، متهم کردن و تمایل به دفاع از باورهای شخصی خود، هستند. این ارتباط‌گران جسور، در فرایند ارتباطات اغلب یک آغازکننده‌اند. آنان با بیانی پویا، تنوع صدا و حرکات و اشاره‌های مداوم، به طور فعال به حفظ توجه دیگران می‌پردازند. بیشترین استفاده از سبک تفاهم توسط شخصیت‌های روزمره و مصلحت‌اندیش و مدرن داخلی کاذب صورت می‌گیرد. شخصیت‌های زن داستان نیز اغلب، دارای سبک ارتباطی تفاهم‌آمیز بوده و با هیجانی بودن، تفاهم، احساسی و نزدیک بودن، مشخص می‌شوند. ارتباط‌گران حساس از طریق کنش‌های خود، دوستی، محبت، صداقت، و مهربانی را نشان می‌دهند. این افراد مشتاق‌اند که احساسات جریحه‌دار را تسکین بخشند و اغلب به دیگران دل‌داری می‌دهند. آنها مایلند با به‌کارگیری واکنش‌های مثبت، سودمند واقع شوند. در نهایت، کمترین سبکی که در رمان‌ها نقش‌آفرینی می‌کند سبک چندکارگی است؛ اینان ارتباط‌گران همه‌کاره‌ای هستند که خود را با رفتار ارتباطی دیگران وفق می‌دهند و شاید

زینگر گذاشت و گفت: «زینگر عزیز خود می دانستید خون ندارد و زشتی و ابتدالش در همین بود. حتی نمی دانستیم نباید تا اگر شکست می خوریم شکست غرور آمیزی باشد» (سووشون).



نمودار ۲. توزیع فراوانی و درصد بر حسب ارتباط غیر کلامی - رفتار آوایی

ارتباطات غیر کلامی و نوع روایت گری

توزیع فراوانی بین متغیرهای مورد بررسی در فرضیه ۲

مجموع	روایتگری			رمان
	دانای کل همراه با تصویرپردازی امپرسیونیستی	دانای کل محدود	دانای کل	روایت گری / مقوله های غیر کلامی
۲۳۵	۴۵	۱۱۳	۷۷	حرکت و حالت بدن
۲۰۴	۴۵	۱۰۳	۵۶	ظاهر فیزیکی
۲۱۱	۴۵	۹۷	۶۹	حالات چهره
۷۹	۱۱	۳۲	۳۶	رفتار چشم
۱۲۲	۱۹	۵۶	۴۷	رفتار آوایی
۹۶	۳۰	۴۰	۲۶	رفتار بساوایی
۲۱	۰	۹	۱۵	قلمرو جویی
۹۷۱	۱۹۵	۴۵۰	۳۲۶	مجموع

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار خی دو
۰/۰۰۲	۱۲	۳۰/۳۶۵

تحلیل فرضیه ۲

در رمان ها، عاملی که در شدت و ضعف ارتباطات بین شخصیت ها اهمیت ویژه ای داشته، نوع روایت گری رمان است. در بررسی رمان ها، سه نوع روایت گری وجود دارد: روایت گری دانای کل محدود با ۴۵۰ ارتباط غیر کلامی، روایت گری

دانای کل با ۳۲۶ ارتباط غیرکلامی، روایت گری دانای کل همراه با تصویرپردازی امپرسیونیستی با ۱۹۵ ارتباط غیرکلامی، که میان شخصیت ها مشاهده شده است. در مجموع رمان ها، ۹۷۱ ارتباط غیرکلامی بین شخصیت ها به وقوع پیوسته است (۳۳/۶) درصد از کل ارتباطات بررسی شده در سووشون، ۶۶/۳ درصد در جزیره سرگردانی و ۲۰/۱ درصد در ساربان سرگردان).

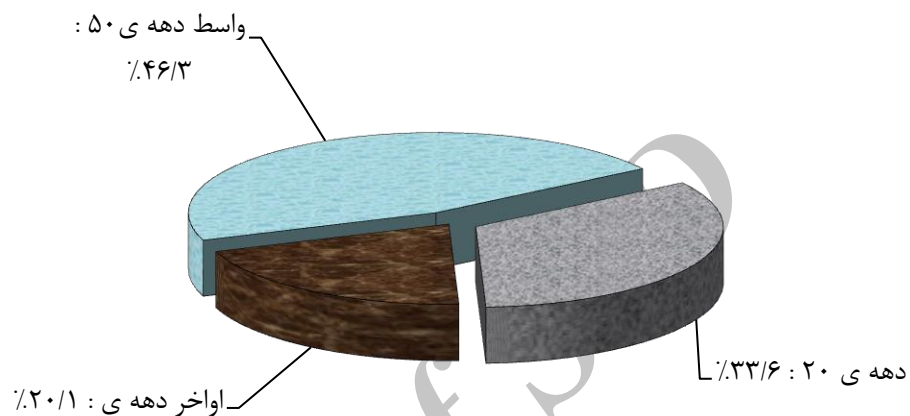
رمان سووشون توسط دانای کل و در دهه ۲۰، رمان جزیره سرگردانی توسط دانای کل محدود و در اواسط دهه ۵۰ و رمان ساربان سرگردان توسط دانای کل همراه با تصویرپردازی امپرسیونیستی و در اواخر دهه ۵۰ روایت گری شده است. نوع روایت که خود ناشی از زمان نگارش و موضوع رمان بوده، بر شدت و ضعف ارتباطات غیرکلامی شخصیت ها تأثیرگذار بوده است.

ساتر معتقد است که «فرد ابتدا باید چیزی برای گفتن داشته باشد (محتوا)، سپس در مورد بهترین راه گفتن آن تصمیم بگیرد (شکل)» (راووداد، ۱۳۸۲: ۷۱). موضوع رمان (محتوا) و نوع روایت گری آن (سبک) هر دو بر میزان موفقیت رمان در ارائه ارتباطات میان فردی و شدت و ضعف مقوله های غیرکلامی آن تأثیرگذار است و فرهنگ و موقعیت های زمانی متفاوت تأثیر عمیقی بر هر دو (محتوا و سبک) می گذارد. رمان های دوگانه (جزیره سرگردانی) و (ساربان سرگردان) تا حدی با زاویه دید دانای کل، نوشته شده اند. کتاب اول، روایتی روایی است اما روایت ساربان سرگردان، اگر چه هنوز طنین دانای کل را دارد - و شاید به خاطر جنس حوادث این جلد، دیگر آن چنان روایی نبوده و دچار گسست هایی شده - با نوعی (تصویرپردازی امپرسیونیستی) اجرا می شود.

در ساربان سرگردان، رشته روایت، گاه از راوی اصلی گرفته می شود و به نوعی تک گویی یا خودگویی - گاهی طولانی - شخصیت ها واگذار می شود. یعنی ساخت روایت، آمیزه ای از سوم شخص و اول شخص است. اگر چه خواننده انتظار دارد در ساربان سرگردان به تناسب سرگردانی شخصیت ها (شخصیت فردگرا و رو به سوی مدرنیته) ارتباطات غیرکلامی افزایش یابد و به تصویر کشیده شوند اما این گونه نیست. دانشور به نحوی بسیار ماهرانه مضمون سرگردانی را برای خواننده برجسته می کند. اما در رمانی که شخصیت اصلی در فهم وجود خود سرگردان مانده است، خواننده نیز در فهم رمان دچار سرگردانی می شود. از جمله عواملی که در این رمان میزان ارتباطات غیرکلامی را کاهش می دهد سرگردانی در توالی زمانی رویدادهاست. فصل های رمان به لحاظ ترتیب رویدادها واجد توالی منطقی نیستند. در ساربان سرگردان فصل ۳ که درباره چگونگی دستگیر شدن هستی است، در واقع فصل ۱ است. فصل ۸ که راجع به اختفای مراد در خانه پدر و مادرش پس از فرار از جزیره سرگردانی است به لحاظ زمانی قبلاً رخ داده است و این ناهماهنگی زمانی ارتباطات بین شخصیت ها را کاهش و مونولوگ ها و جریانات سیال ذهن شخصیت ها را افزایش می دهد. از جمله عوامل دیگر، به کارگیری جریان سیال ذهن و تک گویی ها و به کارگیری روایت مستقیم است، یکی از روش های روایت گری رمان، به کارگیری چندین صدا برای روایت است. در ادبیات داستانی حتی وقتی که راوی به اصطلاح سوم شخص داستان را بازگو می کند، در واقع صدای او بیان کننده آنچه یک شخصیت (معمولاً شخصیت اصلی) می بیند یا احساس می کند، است. در هر دو جلد دو گانه (جزیره سرگردانی، ساربان سرگردان)، خواننده بیشتر از منظر چشمان و واکنش های عاطفی هستی وقایع را می بیند. اما نویسنده از صدای سایر شخصیت ها نیز بهره می گیرد و روایت رمان بین چندین شخصیت دور می گردد. بدین ترتیب، سرگردانی در متن و روایت باعث می شود که خواننده نیز در پیچیدگی های متن سرگردان شود. این توالی در کار روایت، هم در جزیره سرگردانی و هم در ساربان سرگردان وجود دارد و در رمان ساربان بیشتر است. اما مسئله این است که چرا از میزان ارتباطات شخصیت ها به ویژه ارتباطات غیرکلامی، در ساربان بیش از جزیره کاسته می شود، یک نکته در این مسئله نهفته است که نویسنده در ساربان سرگردان خواسته است فرهنگ گفتمان را ارائه دهد و جای خالی چند صدایی را پر کند، به تبع فرهنگ گفتمان، مقوله های ارتباطات غیرکلامی نیز می توانند بیشتر در شخصیت ها نمود پیدا کنند و داستان را زنده تر جلوه دهد. اما آنچه از تحلیل داده های رمان ساربان بر می آید علی رغم آنکه نویسنده خواهان چند صدایی است، به سبب وجه غالب جریان سیال ذهن و تک گویی های شخصیت ها و تناوب زمانی ناهماهنگ فصل های رمان، همین طور بیان مستقیم وقایع تا نمایش آن و روایت های گوناگون بدون پرداخت، از میزان

ارتباطات غیرکلامی بین شخصیت‌ها کاسته شده است. شاید به همین جهت استقبال خوانندگان، از رمان ساربان سرگردان (از لحاظ لذت بخشی اثر) کمتر از دو رمان دیگر است. در مجموع تغییر در سبک روایت‌گری رمان می‌تواند به موضوع و زمان نگارش رمان و هدف غایی آن بستگی داشته باشد.

لوکاچ و گلدمن بر تأثیر محیط پیرامون بر فرم و محتوای ادبیات تأکید ورزیده‌اند. تا آنجا که گلدمن رمان را برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی می‌خواند (گلدمن ۱۳۷۱: ۲۹). در مجموع تغییر در سبک روایت‌گری بر شخصیت‌پردازی و میزان کنش‌ها و ارتباطات شخصیت‌ها تأثیرگذار است.



نمودار ۳. توزیع فراوانی و درصد بر حسب نوع روایت‌گری و زمان وقوع حواث رمان

Archive

انواع قلمرو جویی و زمان وقوع حوادث

توزیع فراوانی بین متغیرهای مورد بررسی در فرضیه ۳

مجموع	زمان وقوع حوادث		زمان
	جزیره سرگردانی	سووشون	وضعیت قلمرو جویی
۱۰	۶	۴	تجاوز به حریم خصوصی
۲	۰	۲	تجاوز به اشیاء و تعلقات شخصی
۷	۱	۶	عقب نشینی
۵	۲	۳	دفاع
۲۴	۹	۱۵	مجموع

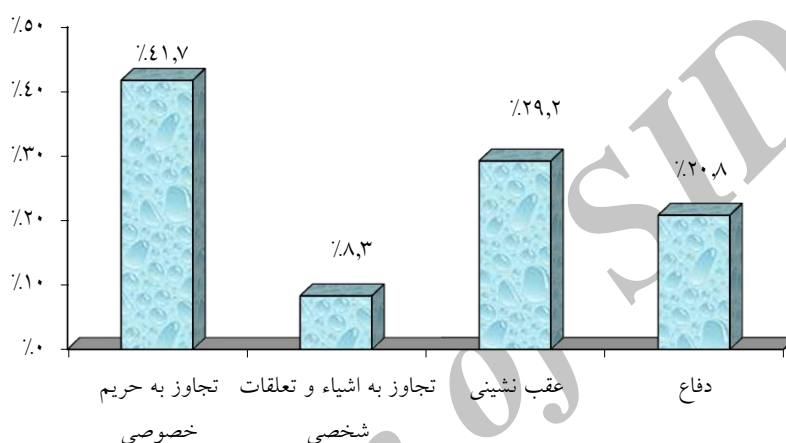
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار خی دو
۰/۱۷۳	۳	۴/۹۸۳

تحلیل فرضیه ۳

رمان سووشون وقایع دهه ۲۰ را، زمانی که نیروهای بیگانه و عوامل مدرنیته وارد جامعه ایران شده اند، نشان می دهد. دغدغه شخصیت های اصلی داستان مبارزه و یا کنار آمدن با این عوامل است. در این رمان ارتباطات غیرکلامی شخصیت های سنتی و هم مدرن بسیار زیبا تصویر شده اند. قله طرح این داستان، بر عمل و شخصیت و اندیشه متکی است و همچون رئالیستی اجتماعی است که شخصیت داستان در طول زمان دچار دگرگونی می شود. در ارتباطات غیرکلامی شخصیت های بررسی شده سه رمان (سووشون، جزیره سرگردانی، ساربان سرگردان)، بیشترین ارتباطات غیرکلامی شخصیت ها در اواسط دهه ۵۰ رخ داده است - رمان جزیره سرگردانی - هنگامی که تزاید افکار در ایران وجود دارد و مباحثی چون اسلام و مارکسیست و افکار بلشویکی در ایران مطرح است. قهرمانان داستان در این وادی سرگردان تصویر می شوند و کنش آنها با یکدیگر در بسیاری از فضاها و صحنه های رمان قابل لمس است. کمترین ارتباطات غیرکلامی رخ داده در بین این سه رمان، در اواخر دهه ۵۰ است، هنگامی که انقلاب اسلامی به وقوع می پیوندد و جنگ تحمیلی آغاز می شود. در این رمان ها، سیمای زمانی از روزگار ایران به نمایش در آمده است که فرد در تعارضی عمیق بین گرامی داشتن سنت و یا رهایی از آن و دور شدن از تعلقات جمعیت و گروهی را پیش روی خود می یابد، دورانی که عوامل مدرنیته بر سرزمین او رخنه کرده و در این عقب نشینی یا مبارزه خود را تنها و سرگردان می یابد. در رمان ها هر دو وجه سنت و مدرنیته را در فضا سازی ها شاهد هستیم و نویسنده آن چنان با تبحری اعجاب انگیز، نمادها و تمامی عوامل سنت را، برای خواننده بازگو می کند که سیر دل کندن از آن را دشوار می نمایاند.

در نقاط آغازین رمان بعد از حرکات و حالات بدن و رفتار آوایی و چشمی که نشانگر شخصیت افراد و نوع رابطه آنها با یکدیگر است به مقوله قلمرو جویی پرداخته و چیدمان، ساختار و موضوع اصلی داستان به خواننده ارائه می شود. موضوع داستان ها تقابلی است بین خانه و جامعه (قلمرو اصلی و تعاملی). در این تقابلات، تعدی هایی از مدرنیته به سوی سنت اتفاق می افتد. درصد بالایی از این تجاوزات، تجاوز به حریم خصوصی و پس از آن تجاوز به اشیاء و تعلقات شخصی است و در هر دو این حالات، رفتار شخصیت های سنتی، ابتدا عقب نشینی و سپس دفاع در برابر این تجاوزات بوده است. به طور مثال در سووشون هنگامی که حاکم شهر (مصلحت اندیش)، کره اسب خسرو (پسر یوسف - انقلابی) را - که علاقه وافری به اسبش دارد - برای دخترش می گیرد (تعدی به تعلقات شخصی)، چگونگی ارتباطات غیرکلامی اهل خانه هنگامی که می خواهند موضوع را برای خان کاکا (مصلحت اندیش) بازگو نمایند نوعی ظاهرسازی همراه با عمل احساسی است: «زری

چشم هایش پر از اشک شد. از میان اشک ها نگاه کرد به عمه، با صورت گل انداخته، چشم های تر، گیس های بافته و سربند قرمز و دستش که می لرزید تریاک را به حقه بچسباند. تریاک از دستش رها شد و در آتش افتاد و دود تریاک بلند شد و گفت: خدا دیوانشان را بر باد بدهد...» (سووشون، ۱۳۸۲: ۵۸). همچنین در رمان جزیره سرگردانی در مراسم عید نوروز در خانه احمد گنجور (مصلحت اندیش)، تعدی شخصیت مدرن خارجی منفی به حریم سنت را می توان مشاهده کرد: «حاجی فیروز به راهنمایی تقی خان با دایره زنگیش به تالار جنبی آمده، با لباس قرمز و کلاه شیپوری... دست زیر چانه مستر کراسلی گذاشت و خواند: ارباب خودم سرت را بالا کن... ارباب خودم چرا نمی خندی؟ مستر کراسلی حاجی فیروز را هل داد... دایره زنگیش رها شد... مستر کراسلی داد زد: برو به جهنم، کاکا سیاه. از تو متنفرم، بو گندو... اما حاجی فیروز ساکت بود... و دو شیار سفید اشک در صورت سیاهش جاری بود» (جزیره سرگردانی: ۱۳۲).



نمودار ۴. توزیع فراوانی و درصد بر حسب ارتباط غیر کلامی - قلمرو جویی

انواع ظاهر فیزیکی و انواع ویژگی ادراکی محیط

توزیع فراوانی بین متغیرهای مورد بررسی در فرضیه ۴

مجموع	ویژگی ادراکی محیط			محیط
	محدودیت و فاصله (غم)	گرمی و شادی	رسمیت و گفتگو	وضعیت
۱۳۸	۷۴	۳۶	۲۸	ظاهر فیزیکی
۲۶	۱۱	۹	۶	جذابیت فیزیکی و حالت و شکل بدن
۱۷	۵	۸	۴	مصنوعات
۱۱	۳	۴	۴	پوشش
۱۹۲	۹۳	۵۷	۴۲	آرایش، رنگ و دستکاری مو
				مجموع

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار خی دو
۰/۳۰۱	۶	۲/۲۱۷

تحلیل فرضیه ۴

پس از آنکه شخصیت ها و موضوع داستان با مقوله های (حرکت و حالت بدن - رفتار آوایی - رفتار چشمی -

قلمرو جویی) در نقاط آغازین داستان ارائه شد، در عمل اوج گیری داستان به ظاهر فیزیکی شخصیت ها بیش از دیگر نقاط پرداخته شده است. گاهی اولین پیامی که برای افرادی که با آنها در ارتباط هستیم می فرستیم، به وسیله ظاهر فیزیکی ما منتقل می شود. در ارتباطات غیر کلامی شخصیت های سنتی رمان ها پس از حرکت، حالات بدن و حالات چهره، به ظاهر فیزیکی و در بین شخصیت های مدرن پس از حرکت و حالات بدن، به ظاهر فیزیکی شان پرداخته شده است. در ارتباطات صورت گرفته در رمان ها نیز، جذابیت ظاهری و فیزیکی شخصیت ها، بیشترین تأثیر را بر ارتباط آنان داشته است. هر اندام نشانگر نوعی خلق و خو است و در رمان ها، قهرمان داستان، با دو نوع بدن (ستبرتن و کشیده تن) به نمایش درآمده اند. نکته جالب آنکه، در هر دهه، هر چه بر میزان سرگردانی شخصیت ها افزوده می شود، قهرمانان نسبت به قهرمانان رمان قبلی با تیپ کشیده تن و لاغر تر توصیف می شوند، مانند یوسف در دنیای فئودالیت دهه ۲۰ و سپس مراد در دهه ۵۰ با توصیفات گوناگون. در هر سه رمان، ضد قهرمانان که از شخصیت های مدرن خارجی و شخصیت های مصلحت اندیش داخلی هستند، در اکثر مواقع فربه تن تصویر شده اند. در بیشتر صحنه های رمان ها، ارتباطات بین شخصیت ها با حالت رو در رو و یا موازی صورت می پذیرد. این مقوله بیشتر به رابطه حالت بدن بین دو نفر که در حال گفتگو هستند، اشاره دارد. اصولاً درباره دو نفر که با هم شروع به صحبت می کنند، یا مقابل هم هستند یا نشسته اند یا کنار هم ایستاده اند. حالت رو در رو حاکی از تعامل بسیار رسمی یا حرفه ای است. فرد احساس می کند باید مدام طرف مقابل را کنترل کند و نشانه یک تعامل بسیار فعال است. در حالی که موازی قرار گرفتن حاکی از تعاملی عادی یا بی تفاوت است. در رمان ها بیشتر ارتباطات غیر کلامی، در فضای تعاملی و مشورتی- اجتماعی و در محیطی با ویژگی ادراکی رسمیت و محدودیت صورت می گیرد و ما شاهد نوع حالت بدن رودرروی شخصیت ها هستیم؛ به طور مثال در مهمانی حاکم شهر در آغازین صفحات رمان، زری و یوسف (سنت) به طور رو در رو در مقابل عوامل مدرن خارجی قرار می گیرند و وارد تعامل می شوند. در حالی که مک موهان (خارجی مثبت) در کنار این دو قرار می گیرد و با هم وارد تعامل می شوند.

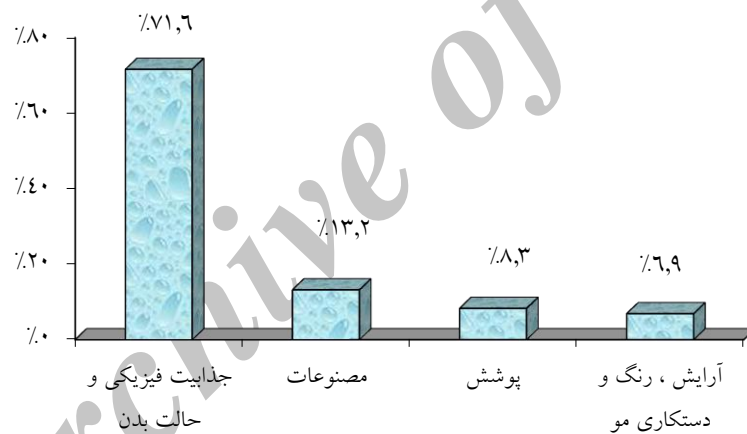
پس از جذابیت فیزیکی و حالت و شکل بدن، مصنوعات استفاده شده توسط شخصیت ها، که گویای جایگاه اجتماعی اشخاص داستان است، تأثیر بر روابط آنها در محیط های گوناگون داشته است. دانشور برای نشان دادن تفاوت چند نسل از یکدیگر (عمه خانم - زری) در سووشون، (مادربزرگ - مادر - هستی) در رمان های دوگانه جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان) مصنوعات و زیور آلات را به توصیف گذاشته است. بیشترین استفاده و توصیف از مصنوعات، در میان شخصیت های سنتی روزمره و سنتی مصلحت اندیش بوده که استفاده از آن در میان زن ها بیش از مردها بوده است. در رمان ها، هر یک از مصنوعات نشانگر نمادی است؛ در سووشون بحث از گوشواره های زری، نمادی از تزیین و زیبایی و زنانگی او است که خود نشان حلقه به گوشی زری برای یوسف دارد. در جزیره سرگردانی توصیف جا نماز توران جان و جواهرات مامان عشی، نمادی از تفاوت شخصیت ها و نسل هاست و توصیف آن بیانگر ویژگی ادراکی محیط است.

به طور مثال: «مادربزرگ... کتری آب را از کنار منقل کرسی که ته اتاق گذارده بودند بر می داشت و برای طهارت و وضو بیرون می رفت. بسته جا نمازش را از گنجه در می آورد. قالیچه ای با نقش محرابی درون طاق محراب که بر دو ستون استوار بود جای پهن کردن جا نماز بود» (جزیره سرگردانی، ۱۳۸۲: ۶). «مامان عشی یک پیراهن بلند سفید با نخ های سیمین و زرین پوشیده بود... سبزی زمرد گردنبندش به سرسبزی هر چه سبز سرسبز در این دنیا هست، چشمک می زد» (همان، ۱۲۳).

آرایش و رنگ مو، تنها در ارتباطات شخصیت های متجدد و بیشتر در محیطی با ویژگی شادی به نمایش درمی آیند، مانند رفتارهای مامان عشی (مصلحت اندیش). «مامان عشی موهای زردش را بالای سرش جمع کرد و سنجاق زد (۱۵). فرهاد، آرایشگر بی همتایش، موهای بور بلندش را تا توانسته بود پیچ و شکن داده بود» (۱۲۳). بیشترین ارتباط غیر کلامی در مورد دستکاری مو، هنگامی است که شخصیت های مرد داستان در حال فکر کردن و یا تصمیم گیری، با موی سر و ریش خود بازی می کنند و توجه مخاطب خود را بر می انگیزد که این عمل را به طور مثال، در رفتار سلیم (رمان جزیره سرگردانی)

هنگامی که با هستی وارد تعامل می شود، می توان مشاهده کرد. «سلیم ریشش را با انگشتانش شانه کرد و به فکر فرو رفت. هستی نگاه چشمانش را جستجو کرد اما چشم های سلیم دور دست ها را می کاوید (۲۹). سلیم ناگهان از جا پا شد، کنار بخاری نشست... دست به ریش هایش گذاشت و موهایش را با انگشت ها شانه کرد و هیچ نگفت (۸۹)... سلیم فکری کرد و ریشش را خاراند و ادامه داد:... (۸۲)» (جزیره سرگردانی، ۱۳۸۲).

از جمله ارتباطات غیرکلامی که در نقطه عمل اوج گیری و در هر یک از محیط های سه گانه (رسمیت و گفتگو، گرمی و شادی، محدودیت و فاصله (غم)، میان شخصیت ها صورت پذیرفته است، پوشش شخصیت ها است. در توصیف پوشش و لباس شخصیت های داستانی، نویسنده به کارکرد «نمایش فرهنگی» بسیار توجه داشته است. در قضاوت شخص اول داستان از دیگر شخصیت ها و یا در معرفی و شناسایی شخصیت ها، توصیف لباس و رنگ بسیار استفاده شده است که بیشتر بیانگر موقعیت اجتماعی اشخاص و ویژگی اخلاقی و پیشینه اقتصادی آنها بوده است. به طور مثال، در مراسم عید نوروز، در خانه مامان عشی، ورود مهمان ها را با توصیف لباس به نمایش گذاشته شده است: «مامان عشی یک پیراهن بلند سفید با نخ های سیمین و زرین پوشیده بود که دو طرف دامن تا زانوهای چاک داشت... پسینا پیراهن گشادی با تارهای گلابتون به تن داشت. رنگ های قرمز و سبز و زرد پیراهن و یراق سر آستین ها، جلوه های رنگ نواز همدیگر را تحسین می کردند... لکچی از زری سر کرده بود...» (جزیره سرگردانی، ۱۳۸۲: ۱۲۳). این فضا سازی ها و ارائه وضعیت ظاهر فیزیکی، کمک شایانی به شخصیت پردازی و کنش مناسب و قابل درک میان شخصیت ها و نمایش ویژگی های ادراکی محیط کرده است و حتی اگر این ویژگی ها بر رفتار شخصیت ها تأثیر نگذارد و موجب رخداد وقایع نشود، دست کم در نتیجه ای که به بار می آورند، اثر گذار است.



نمودار ۵. توزیع فراوانی و درصد بر حسب ارتباط غیرکلامی - ظاهر فیزیکی

انواع رفتار چشم و انواع شخصیت

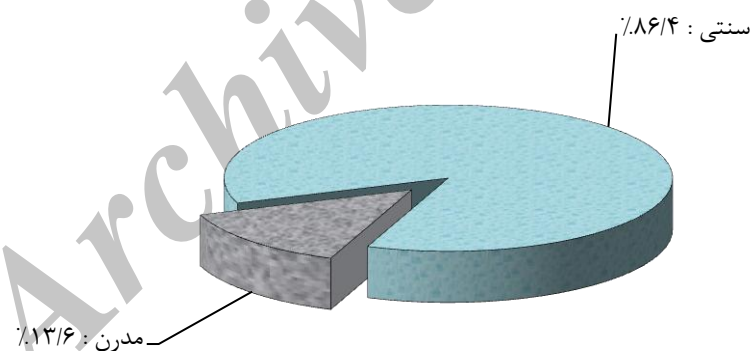
توزیع فراوانی بین متغیرهای مورد بررسی در فرضیه ۵

مجموع	شخصیت کلی		شخصیت
	مدرن	سنتی	وضعیت رفتار چشم
۲۳	۲	۲۱	نگاه یا خیره متقابل
۸	۰	۸	نگاه یکسویه و گذرا
۱۳	۰	۱۳	پرهیز از نگاه
۵	۰	۵	حذف نگاه
۳۰	۳	۲۷	خیره نگریستن
۷۹	۵	۷۴	مجموع

مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۲/۶۵۶	۴	۰/۶۱۷

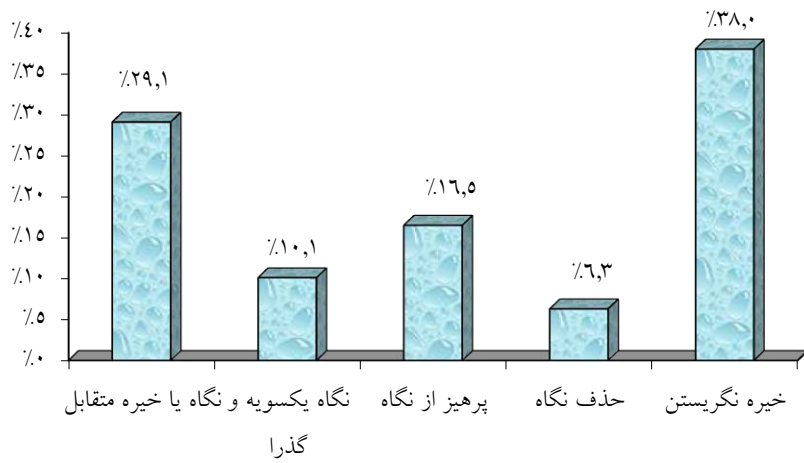
تحلیل فرضیه ۵

در آغازین نقاط داستان، رفتار چشم شخصیت‌ها بیش از نقاط دیگر تصویر شده است که نشانگر تمایل شخصیت‌ها به نزدیکی یا دوری از همدیگر است. بیشترین ارتباط چشمی بین شخصیت‌ها، نگاه خیره است که شخص به دیگری متمرکز شده و نگاهی طولانی، ولانی، بی‌هدف و بی‌مقصد است. پس از آن نگاه خیره متقابل که بین شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد، اشاره به این دارد که دو نفر مستقیماً به چهره یکدیگر نگاه می‌کنند. در واقع ارتباط آنها با نگاه خیره متقابلی که در چشم‌ها متمرکز است، مشخص می‌شود. از آنجا که بیشتر ارتباطات در محیط گفت و گو و رسمیت اتفاق می‌افتد، این نوع نگاه بیشتر در ارتباط میان شخصیت‌ها رخ می‌دهد. بروز نگاه خیره اغلب در فضاهای عاشقانه - صمیمانه است: «به مجرد اینکه زری دست رد به سینه سر جنت زینگر می‌زند که از او تقاضای رقص کرده بود به شوهرش نگاه می‌کند، به جستجوی نظر تأیید، و به یک چشمک یوسف دل زری فشرده می‌شود.» (سووشون: ۱۲) و یا این جمله که کنایه زیبا از درخشش عشق است: «چشم‌هایش در چشم‌های هستی خیره ماند و برق و تندر در دل هستی درخشیدن و کوبیدن گرفت» (جزیره: ۱۲۴). در رمان‌ها، ۷۴ مورد رفتار چشم توسط شخصیت‌های سنتی و ۵ مورد توسط شخصیت‌های مدرن اتفاق افتاده است. این به خاطر آن است که دانشور در رمان‌ها بیشتر به کنش‌ها و ارتباطات این قشر پرداخته است.



نمودار ۶. توزیع فراوانی و درصد بر حسب شخصیت‌های کلی ارتباط گران غیر کلامی

از میان انواع ارتباطات چشمی، خیره نگریستن و نگاه خیره متقابل بیشترین کاربرد را داشته است. بیشترین ارتباطات چشمی میان شخصیت‌ها را در جزیره سرگردانی، بین هستی (انقلابی) و سلیم (متعهد و اجتماعی) شاهد هستیم و در سووشون، میان زری و یوسف (انقلابی). نگاه‌های یک سویه و گذرا، پرهیز از نگاه، حذف نگاه از سوی شخصیت‌های سنتی رمان‌ها اتفاق می‌افتد و شاهد این نوع نگاه‌ها از سوی شخصیت‌های مدرن نیستیم و به سبب آنکه داستان‌ها بیشتر از زاویه دید شخصیت اول داستان پرداخته می‌شوند، این سه نوع نگاه اغلب از سوی شخصیت اول (انقلابی) نسبت به شخصیت‌های مدرن اتفاق می‌افتد.



توزیع درصدی انواع نگاه در سبب ارتجاعی چشم در بیماران مبتلا به آب مروارید

Archive of SID

انواع رفتار بساوایی و انواع جذابیت محیط (نور، دما و ..)

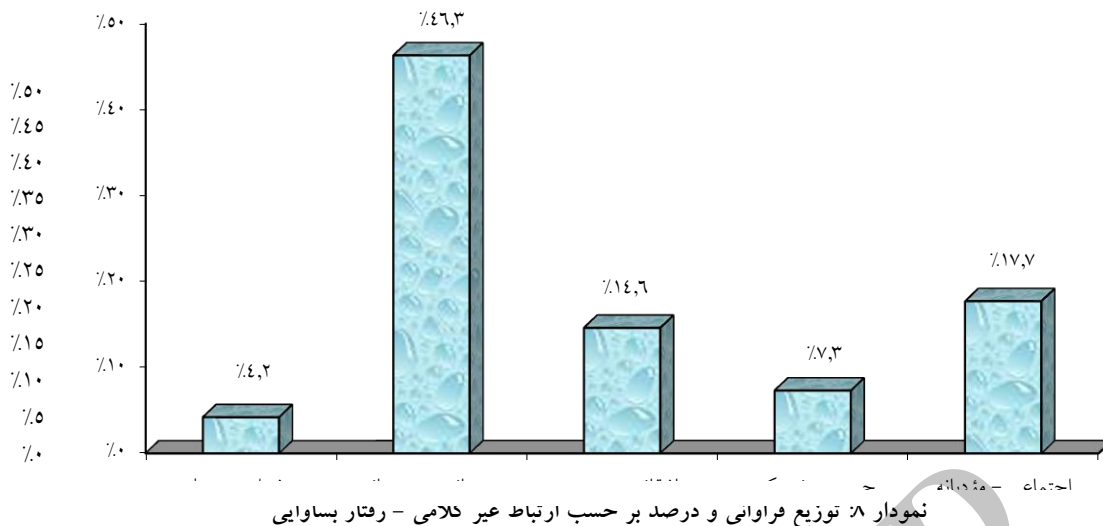
توزیع فراوانی بین متغیرهای مورد بررسی در فرضیه ۶

مجموع	جذابیت محیط						محیط
	پخش موسیقی	آرایش و چیدمان محیط	عطر و بو	دما و محیط	نورپردازی در محیط	رنگ در محیط	وضعیت رفتار بساوایی
۳	۰	۲	۰	۱	۰	۰	حرفه ای - عملی
۴۶	۲	۳۵	۰	۱	۲	۶	دوستانه - صمیمانه
۱۱	۰	۶	۰	۳	۱	۱	عاشقانه - صمیمی
۶	۱	۲	۱	۱	۱	۰	جنسی - نزدیکی
۱۶	۳	۹	۲	۱	۰	۱	اجتماعی - مؤدبانه
۸۲	۶	۵۴	۳	۷	۴	۸	مجموع

مقدار خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۲۹/۷۶۱	۲۰	۰/۰۷۴

تحلیل فرضیه ۶

درصد بالایی از ارتباطات بساوائی شخصیت های زمان های مورد بررسی، به صورت لمس دوستانه - صمیمانه است. رفتار بساوائی شخصیت ها در نقاط اوج گیری داستان یعنی در نقاط گره گذاری داستان اوج می گیرند و در نقطه اوج داستان تا پایان یعنی در مراحل گره گشایی داستان، از شدت شان بسیار کاسته می شود. در رمان ها به طور مثال: «مادرش خانم فرخی بود که وقتی پدر بعد از شام می گذاشت و می رفت، سر پسر را به سینه می گذاشت و می گفت: عزیز مادر به فدایت... - لمس عاشقانه، صمیمانه (۸)... فضل الله پا شد و مشتش به شیشه مینی بوس زد و گریه می کرد به های های... تیمورخان دست فضل الله را گرفت و نشانیدش و گفت: سرت را بگذار روی شانه من... - لمس دوستانه، صمیمانه (۵۰)... لمس دست ها و نوازش ها از جانب نیکو... سلیم احساس می کرد که تمام عالم پشت در بسته حجله در انتظارند... - لمس جنسی، نزدیکی (۳۸)... هستی با بیژن دست داد و پرویز را بوسید و گفت که قد کشیده است و بزرگ شده... - لمس اجتماعی، مؤدبانه (۱۴۵)... رفتند سراغ فرهاد، آرایشگاه به آزمایشگاه می مانست و هستی روی صندلی جلوس کرد، وردست زن، روپوش سفید را گرفت و فرهاد تن کرد. موهای هستی را معاینه کرد و گفت وحشی است و جلا ندارد... کار براشینگ که تمام شد... - لمس حرفه ای، عملی (۳۰۰)» (ساربان سرگردان، ۱۳۸۲).



انواع جذابیت محیطی مثل معماری، مبلمان، دکوراسیون، بوها، رنگ ها، زمینه و سر و صدای اشیاء، تأثیر بسیاری بر «روابط میان فردی» شخصیت ها داشته است و تأکیدی بر نوع ارتباطات شخصیت ها و درک عوامل فرهنگی است. بیشترین تأثیر عوامل محیطی بر ارتباطات شخصیت ها ابتدا آرایش و چیدمان محیط و سپس رنگ و دمای محیط بوده است. در فضاهای خودمانی و شروع یک رابطه دوستانه و عاشقانه، ابتدا نور-سپس دما و عطر محیط دارای بیشترین تأثیر بر این روابط بوده و در قلمروهای تعاملی و جشن ها، نورپردازی و پخش موسیقی بیش از دیگر عوامل کاربرد داشته است. توصیف مراسم شادی، رقص های جمعی و پخش موسیقی در سووشون در ابتدای داستان آمده است. در جزیره سرگردانی در اواسط داستان با جشن و سرور و موسیقی و چیدمان محیط مواجه می شویم. در ساربان سرگردان با جشن ها و مهمانی هایی که دانشور در دو رمان قبل به رشته تحریر در آورده، روبه رو نمی شویم؛ همان طور که می دانیم جشن و آواز در یک کشور با سطح انسجام اجتماعی و جمع گرایی آن مرتبط است. فرهنگ های جمع گرا، هم در آواز انسجام بیشتر و هم در رقص هماهنگی بیشتری از فرهنگ های فردگرا دارند؛ و کاهش این مراسم در رمان ها می تواند نشانگر آن باشد که جامعه به سوی فردگرایی پیش می رود؛ با توجه به اینکه سرگردانی شخصیت ها در هر رمان بیشتر شده و شخصیت ها رو به سوی فردگرایی دارند. به طور مثال در فصل اول سووشون، تکه هایی از توصیف محیط مراسم عقد دختر حاکم، این گونه است:

«آن روز عقدکنان دختر حاکم بود. ناناها با هم شور کرده بودند و نان سنگکی پخته بودند... مهمان ها دسته دسته به اطاق عقدکنان می آمدند... خانم ها دست می زدند... اطاق شلوغ و گرم و پر از بوی اسفند و گل های مریم و میخک... صدای هلهله و فریاد گوش خراش موسیقی... مطرب ها آمدند. نعمت قانون می زد و همکار شکم گنده اش تار و پسر زیر ابرو برداشته ای، گلم، گلم، یار گلابتون، را خواند و رقصید... چند زن و مرد با لباس های عاریتی قشقای رقص دستمال و چوبی هشلهفی کردند... عروس و داماد با هم رقصیدند... زن های شهر با لباس های رنگارنگشان در بغل افسرهای غریبه می رقصیدند و مردهایشان روی مبل ها نشسته بودند و آنها را می پاییدند...» (سووشون، ۱۳۸۲: ۱۱-۶)

همچنین در بخش ششم رمان جزیره سرگردانی، توصیف خانه آقای گنجور در روز اول عید است. گنجور مانند ایرانیان کهن لباس پوشیده و نمادهای هفت سین را توضیح می دهد. این بخش همانند دایرة المعارف از رسوم کهن و عقاید ایرانی است... و در بخش دهم، دیدار هستی و سلیم و رفتن به مجلس شمایل گردانی است... و بخش یازدهم، مجلس رقص آمریکایی هاست که هستی هنگام رقص با کراسلی وصف جزیره سرگردانی را می شنود... و در بخش پایانی این رمان سلیم و مراد در مقابل هم قرار گرفتند، به گفتگو و درباره عرفان

می‌پردازند و نوای تنبور، هستی سلیم و مراد را به وادی حیرت می‌برد...

در رمان های دوگانه در توصیف اشیاء و محیط، به رنگ ها توجه بسیاری شده است. مثلا مادر هستی از وی می خواهد کت و دامن عنابی بپوشد. لاک عنابی بزند و ماتیک عنابی بمالد (۱۱۴) و در جای دیگر، هستی در اتاق خواب با روتختی جیر آبی، پشت درهای آبی باز و پرده های آبی سیر روبرو می شود، اما خود به رنگ سبز می اندیشد (۱۱۵). در جای دیگری، هستی با روبان، کاغذ و بلوز بنفش از پشم بنفش و ابریشم بنفش سروکار دارد (۱۱۶) و مامان عشی در نمایش اندام خود شلوار سیاه می پوشد تا سفیدی شکم را عین عاج جلوه دهد (۱۱۷). در جای دیگر رمان، سخن از کاشی آبی و ماهی های طلایی و قرمز است (۱۱۸) و در یک صفحه رنگ های سبز، زرد، آبی، قرمز، بنفش، ارغوانی، سفید، نارنجی، گل بهی، عنابی، سیاه، سورمه ای، آبی سیر و... به کار گرفته شوند (۱۱۹).

نتیجه گیری

در این مقاله، کوشش شده است رمان های سیمین دانشور با استفاده از چارچوب تحلیلی نظریه پردازان ارتباطات غیرکلامی بررسی شود. نظریه های ارتباطات غیرکلامی در این تحقیق با هدف بررسی ارتباطات غیرکلامی شخصیت های داستانی و رابطه کمیت و کیفیت آن با توجه به سبک زندگی شخصیت ها، نقاط زمانی رمان، زمان وقوع حوادث و نوع روایت گری رمان ها مورد استفاده قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد هر سه رمان مورد بررسی دارای حرکات غیرکلامی شخصیت هاست که در مسیر تاریخی رمان های قبل و پس از انقلاب اسلامی (رمان های ضداستعماری)، جذاب ترین و برجسته ترین نوع ارتباطات غیرکلامی را منتقل می سازند. در دو رمان سووشون و جزیره سرگردانی، بیشتر با ارتباطات غیرکلامی شخصیت ها و در ساریان سرگردان با رفتارهای غیرکلامی آنان مواجه هستیم و این ناشی از زمان نگارش رمان، موضوع رمان و به دنبال آن انتخاب سبک نگارش رمان است که بر میزان پردازش مقوله های غیرکلامی تأثیرگذار بوده است. در ساریان سرگردان به سبب وجه غالب جریان سیال ذهن و تک گویی های شخصیت ها و تناوب زمانی ناهماهنگ فصل های رمان، همین طور بیان مستقیم وقایع تا نمایش آن و روایت های گوناگون بدون پرداخت، از میزان ارتباطات غیرکلامی بین شخصیت ها کاسته شده است.

در ارتباطات غیرکلامی شخصیت های بررسی شده سه رمان (سووشون، جزیره سرگردانی، ساریان سرگردان)، بیشترین ارتباطات غیرکلامی ارائه شده در بخش های آغازین و اوج گیری رمان ها بوده است و پردازش رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در نقاط اوج، فرود و پایان این رمان ها بسیار کم رنگ است. در هر سه دوره زمانی با پایان یافتن ارتباطات غیرکلامی شخصیت ها (حرکت و حالت بدن، ظاهر فیزیکی، حالات چهره، رفتار چشم، رفتار آوایی، رفتار بساوایی و قلمرو جویی) نسبت به نقطه قبل (لحظه فرود) رو به فزونی می گیرد. همچنین یافته های پژوهش نشان می دهد که عدم توجه به زاویه دید نمایشی در رمان ها و کاسته شدن از ارتباطات غیرکلامی و فضا سازی ها، از جذابیت رمان ها می کاهد.

پیشنهاد

ارتباطات غیرکلامی در داستان فارسی، آگاهانه و به عنوان یک اصل مورد توجه قرار نگرفته است. در داستان نویسی فارسی همه نویسندگان نسبت به لزوم به کارگیری و نشان دادن مقوله های ارتباطات غیرکلامی آگاهی و توجه ندارند. برای این که بتوان تفاوت میان کاربرد و یا عدم کاربرد مقوله های ارتباطات غیرکلامی گوناگون را بر طبق شخصیت های داستان به طور عینی و واضح بررسی کرد، می توان چند نمونه از داستان های فارسی را - با وجود موفقیت و اهمیتی که از لحاظ داستانی دارند - در دوره های زمانی مختلف مورد بررسی قرار داد. با مقایسه میان این آثار، می توان به لزوم به کارگیری مقوله های ارتباطات غیرکلامی به عنوان واقعیت موجود در جامعه، به خصوص در داستان رئالیستی که منعکس کننده واقعیت جامعه است، پی برد.

مطالعه زبان بدن و گونه شناسی زبان بدن در رمان می تواند روش دقیق و روشنی در سبک شناسی رمان عرضه کند و دانش سبک شناسی رمان فارسی را رشد دهد. از سوی دیگر

می‌تواند سبب ارتقا فرهنگ شود، اگر چه فرهنگ و ارتباط تفکیک ناپذیرند. یادگیری و حفظ فرهنگ از طریق تعامل انسانی صورت می‌گیرد و فرهنگ در ابتدا یک پدیده غیرکلامی است. سطح اولیه فرهنگ به صورت ضمنی، بدون آگاهی و ابتدا با شیوه‌های غیرکلامی منتقل می‌شود؛ بنابراین توجه به ارتباطات غیرکلامی در ادبیات داستانی، می‌تواند فرهنگ جامعه را ارتقا دهد. به خصوص توجه به آن در ادبیات عامه پسند ضروری است. ادبیات عامه پسند امر والا را در نظر نمی‌گیرد، ساختار و بیانی کلیشه‌ای دارد و به جای شخصیت پردازی به تیپ‌سازی می‌پردازد. بنابراین توجه به ارتباطات میان فردی در شخصیت پردازی‌ها و دیگر مقوله‌های غیرکلامی در فضا سازی‌ها، سطح این نوع ادبیات را ارتقا می‌دهد، از سیر نزولی سطح کیفیت این آثار جلوگیری می‌کند و ارتقا آن، باعث ارتقا فرهنگ جامعه می‌شود.

Archive of SID

منابع

منابع فارسی

- احمدی، بابک (۱۳۸۷). «خاطرات ظلمت (درباره سه اندیشگر مکتب فرانکفورت والتر بنیامین، ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو)»، تهران، نشر مرکز.
- استوری، جان (۱۳۸۶). «مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه»، ترجمه حسین پاینده، تهران، نشر آگه.
- اسکارپیت، روبر (۱۳۷۶). «جامعه‌شناسی ادبیات»، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، انتشارات سمت.
- باختین، میخائیل (۱۳۸۰). «سودای مکالمه، خنده، آزادی»، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نشر چشمه.
- جان، پک (۱۳۶۶). «شیوه‌های تحلیل رمان»، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰). «جزیره سرگردانی»، تهران، انتشارات خوارزمی.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰). «ساربان سرگردان»، تهران، انتشارات خوارزمی.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰). «سووشون»، تهران، انتشارات خوارزمی.
- راووداد، اعظم (۱۳۸۲). «جامعه‌شناسی هنر و ادبیات»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ریچموند، ویرجینیایی و مک کروس، جیمز سی (۱۳۸۸). «رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی»، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلای عبدالله پور، ویراستاری غلامرضا آذری، تهران، نشر دانژه.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۴). «رمان و جامعه» مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل رمان در ایران، ویراستار: حسین پاینده، تهران، دفتر مطالعات ادبیات داستانی.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۵). «ارتباطات غیرکلامی، هنر استفاده از حرکات و آواها»، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱). «دفاع از جامعه‌شناسی رمان»، ترجمه محمد پوینده، تهران، انتشارات هوش و ابتکار
- لاج، دیوید، وات ایان، ریچز دیوید و دیگران (۱۳۷۴). «نظریه رمان»، ترجمه حسین پاینده، تهران، نشر نظر
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴). «ایران در چهار کهکشان ارتباطی (سیر تحول تاریخی ارتباطات در ایران، از آغاز تا امروز)»، تهران، انتشارات سروش
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵). «ارتباط‌شناسی»، تهران، انتشارات سروش
- مورگان فورستر، ادوارد (۱۳۶۹). «جنبه‌های رمان»، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر نگاه
- میرصادقی، جمال و میمنت (۱۳۷۷). «واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی»، تهران، انتشارات کتاب مهناز

منابع انگلیسی

- Korte Barbara (1997). «Body Language in Literature» Canadian Cataloguing in Publication Data.

سایت:

- پرستش، شهرام، «رمان با ظهور رنسانس و انقلاب صنعتی متولد می‌شود»، ۱۳۸۹/۵/۶، کانون ادبیات ایران:
http://www.kanoonweb.com/index.php?option=com_content&view=article&id=-42-12-09-03-130:138843&catid=56:story&Itemid=87

Content Analysis of Non-Verbal Communication of Characters of Selected Works of Simin Daneshvar

Gholam Reza Azari²¹ (Ph.D)
Fatemeh nabiyan**

Abstract

This research addresses one of the members of "mass communication" family, i.e. novel.

The subject of this research is "the Content Analysis of Nonverbal Communication of selected Characters in the Novels of Simin Daneshvar (Savushun, Wandering Camel Rider, and Wander Island) before and after the Islamic Revolution of Iran". This research is conducted based on the analysis of the content and its application in novel in order to identify the nonverbal communicative categories (including body gestures, behaviors, etc.) of the characters of the abovementioned novels. and attempts to meet the following four objectives:

- 1- Identify the nonverbal communications and narration method of each novel.
- 2- Identify the nonverbal communications and creation of characters of the narrative.
- 3- Identify the nonverbal communications within the period, during which the novel is narrated.
- 4- Identify the nonverbal communications and lifestyle of the characters of each novel.

Three novels have been used from the works of Simin Daneshvar. The nonverbal communications of the main chapters of these novels, which were consistent with the objectives of the research and the questions and the variables of the hypotheses, were studied. Those main characters, which were non-typical by preserving their special individuality assigned to them by the author and played a significant role in the novels, were selected and studied.

- In all three novels, nonverbal communications of the characters were observed, which presented the most attractive and prominent types of nonverbal communications in the path of time before and after the Islamic Revolution (anti-imperialism novels).
- Proper use of nonverbal communicative categories helps the creation of characters and settings of novels and assists the readers of novel to understand the work better.
- The time of writing the novels, subject of novels and writing style affected the processing of nonverbal communication categories.

Key Words: Nonverbal Communication, Novel, Lifestyle, Narration, Time.

* Faculty member of Communication Department, faculty of Psychology and Social Sciences, Tehran Central Branch. / azari-gh 2002@yahoo.com

** M.A in Social Communication sciences, Tehran Central Unit. / Nabiyan 2009@yahoo.com